



ارگان مرکزی
سازمان فدائیان خلق ایران گزیرت

اطلاعیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت):

برگزاری نخستین کنگره سازمان

دوره دوم - سال هفتم - شماره ۷۸
اول شهریور ۱۳۶۹ - ۱۲ صفحه - ۸۰ ریال

پیرامون تحولات منطقه

اشغال نظامی کویت توسط عراق، تمرکز بیسابقه نیروهای نظامی امریکا در عربستان سعودی و خلیج فارس و آغاز روند صلح میان ایران و عراق، رویدادهای پراهمیتی است که طی ماه گذشته اوضاع منطقه را با شدت دگرگون ساخت.

روز ۵ شنبه ۱۱ مرداد رژیم عراق در یک اقدام غیرمنتظره، کویته را به اشغال خود درآورد و به فاصله چند روز پس از آن با تشکیل یک دولت دست نشانده، این کشور کوچک و ثروتمند رهبری را بخود ملحق نمود. تجاوز عراق به کویت که ظاهراً در پی اختلاف دو کشور بر سر نفت رخ داد، در حقیقت امر یک نقشه دیرینه توسعه طلبانه است و در جهت مقاصد رژیم عراق برای تسلط بر خلیج فارس و کسب برتری در منطقه میباشد. اگر عراق بتواند اشغال کویت را ادامه دهد و به ذخایر عظیم نفتی آن دست یابد، میتواند اقتصاد بحران زده خود را نجات دهد و ۱۵۰ میلیارد دلار وام خود را جبران سازد. دستیابی عراق به جزایر استراتژیک و ربه و بوبیان و بخشی از ساحل جنوبی خلیج فارس نیز دارای اهمیت جدی است این امر توازن نظامی منطقه را بسود رژیم توسعه طلب عراق بهم خواهد زد و صدام حسین را در قصد تسلط بر منطقه خلیج فارس و به دست گرفتن رهبری جهان عرب از طریق قدرت نمایی نظامی جری تر خواهد کرد.

اما جهان معاصر زورگویی نظامی را نمی پذیرد. امروز برای نخستین بار وحدت گسترده ای علیه تجاوز عراق به وجود آمده است. شورای امنیت سازمان ملل متحد چهار روز پس از حمله عراق به کویت قطعنامه ای را در مورد تحریم اقتصادی و نظامی عراق و کویت به تصویب رساند و از همه کشورهای عضو غیر عضو درخواست نمود که بطور یکپارچه به این تحریم بپیوندند. بسیاری از کشورها در جهت تحریم و محاصره اقتصادی عراق اعلام آمادگی کردند. سازمان کشورهای اسلامی، جامعه کشورهای عرب و بسیاری از دولتها عراق را محکوم ساختند و خواهان پایان دادن تجاوز آن کشور به کویت شدند.

در کنار این اقدامات، امریکا و شماری از هم پیمانانش خود سرن راه مقابله نظامی را در پیش گرفتند. امریکا بر بستر محکومیت جهانی عراق، رزمناوها، هواپیماهای پیشرفته و دهها هزار نیروی نظامی را در عربستان سعودی متمرکز کرده است. تمرکز و بسیج نیروهای نظامی در کشورهای منطقه به حد بیسابقه ای رسیده است. حضور این نیروی های عظیم نظامی خطر واقعی بروز جنگ بین عراق و امریکا را پدید آورده و جنوب خلیج فارس را به بشکه ای باروت بدل ساخته است.

لشکر کشی امریکا به منطقه، جبهه سیاسی را که در سطح جهان علیه تجاوز عراق شکل گرفته بود دچار شکاف ساخته است، برخی از کشورهای عربی، اعلام کرده اند که در صورت وقوع جنگ با امریکا، در کنار عراق خواهند جنگید. موج مخالفت با حضور نظامی امریکا در منطقه چنان بالا گرفته که در بسیاری موارد تجاوز عراق به کویت را تحت الشعاع قرار داده است. رژیم عراق با تحریک ناسیونالیسم عربی ضد امریکایی و مانورهای ضد امریکایی - اسرائیلی از حضور امریکا در جهت توجیه سیاست بقیه در صفحه ۵

نخستین کنگره سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در روزهای ۱۳ تا ۲۳ مرداد ماه سال ۱۳۶۹ برگزار شد. ۷۸ نمایندگان که طبق ضوابط کمیته مرکزی سابق و ستاد برگزاری کنگره حق شرکت در کنگره نخست را داشتند یا بطور مستقیم و یا از طریق سپردن رای و کالتی در جریان کار کنگره مشارکت کردند.

نخستین کنگره سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) با یک دقیقه سکوت به یاد شهدای ۲۰ سال پیکار سازمان و همه شهدای راه آزادی، گشایش یافت و پس از رسمیت یافتن اجلاس موارد زیر در دستور کار کنگره قرار گرفت.

- ۱- ارزیابی از مقام و موقعیت اجلاس
- ۲- بحث پیرامون سمت گیری برنامه های و هویت و تصویب تزیاهی مربوطه
- ۳- تصویب تزیاهی در باره خط مشی و برنامه سیاسی سازمان

- ۴- تصویب کار پایه موقت تشکیلاتی
 - ۵- بررسی گذشته سازمان و عملکرد رهبری و تصویب گیری پیرامون قطعنامه های پیشنهادی
 - ۶- بررسی وضع نشریات و رادیوی سازمان و تصویب گیری پیرامون قطعنامه های پیشنهادی
 - ۷- بررسی گزارش عملکرد مالی سازمان
 - ۸- صدور پیامها
 - ۹- انتخاب کمیسیونهای برای تهیه اسناد لازم جهت ارایه به کنگره دوم
 - ۱۰- انتخاب ارگان رهبری
 - ۱۱- تعیین زمان کنگره بعدی
- اجلاس پس از بحث و بررسی، خود را نخستین کنگره سازمان نامید.
- کنگروه به دلیل عدم تدارک و آمادگی کافی و کمبود وقت

گزارش کنگره

شورای مرکزی منتخب، نظر به وظایفی که از سوی کنگره بدان محول شد، خود را ملزم دانست که گزارش حاضر را تهیه نموده، منتشر سازد.

در تنظیم این گزارش کوشش شده است تا از اظهار نظر و تفسیر پرهیز شود و گزارش در مفهوم اخص کلمه تهیه گردد.

شورای مرکزی بر آن است که امکانات مطبوعاتی سازمان را در خدمت بحث و تبادل نظر اعضای سازمان و صاحب نظران ترقی خواه کشور پیرامون نخستین کنگره سازمان تصامیم و دستاوردهای آن بکار گیرد. شورای مرکزی، فدائیان خلق و همه احزاب، سازمان ها و شخصیت های ملی و مترقی را به مشارکت در این بحث فرا می خواند.

پرونده سازی: نشانه در ماندگی

در پی دستگیری شماری از امضاکنندگان نامه ۹۰ نفره که خطاب به رفسنجانی و در اعتراض به اقدامات ضد دموکراتیک و ضد ملی حکومت نگاشته شده بود، اکنون خبر می رسد که رژیم علاوه بر ادامه دستگیری ها، مسئولین "جمعیت دفاع..." را تحت فشار قرار داده و یکی از آنها را مجبور کرده تا با ظاهر شدن بر صحنه تلویزیون و تکرار اراجیفی که شکنجه گران او این دیکته کرده اند، از اقدام خود توبه کند.

به نوشته کیهان، آتای نرهاد بهیچانی عضو شورای مرکزی "جمعیت دفاع از آزادی و..." در نمایش کذائی تلویزیونی "اعتراف" کرده است که مسئولین جمعیت "وابسته به سیا" و "ستون پنجم عراق" اند. و اعضای جمعیت نیز مشتکی "سلطنت طلب، ساواکی و رستخیزی" اند.

برگزاری اینگونه نمایشات مضمّن کننده تازگی ندارد و مردم ایران دیگر هادت کرده اند که هر از گاهی شاهد چهره تکیده و در هم شکسته افراد میهن دوست و آزادیخواه و شخصیت های سیاسی اپوزیسیون بر صحنه تلویزیون باشند و بشنوند که فرد در هم شکسته، مانند بقیه در صفحه ۱۲

موفق نشد به بخش عمده ای از دستور کار پیشنهادی بپردازد. صدور قطعنامه در باره "بررسی اجمالی گذشته و عملکرد رهبری در دهه اخیر"، تعیین هدف سیاسی سازمان در این مرحله و دولت جانشین (شعار استراتژیک)، تصویب ۲ بند از تزیاهی مربوط به هویت، تصویب تزیاهی برای برگزاری کنگره دوم، از جمله مواردی بود که کنگره در مورد آن اتخاذ تصمیم نمود. متن قطعنامه ها و تزیاهی به طور جداگانه انتشار خواهد یافت.

کنگروه در بخش پایانی خود گروه های کار ۱۰ گانه و رهبری جدید را انتخاب نمود. هیچ یک از اعضای هیئت سیاسی سابق در شورای مرکزی منتخب کنگره شرکت ندارند.

مشروح گزارش کنگره همراه با این اطلاعیه در نشریات سازمان منتشر می شود.

شورای مرکزی بزرگترین دستاورد کنگره را حفظ وحدت سازمان و تحکیم همبستگی فدائیان خلق ارزیابی می نماید. همبستگی که کنگره در میان ما پدید آورد، می تواند نقطه پایانی بر خطاهای گذشته و دسته بندی های زیان آور باشد و راه ما را در جهت انجام وظایف آتی هموار سازد.

شورای مرکزی از همه فدائیان خلق، از همه رفقای که در جریان کشمکش های درونی گذشته و بدلیل اعتراض به مناسبات غیر دموکراتیک از سازمان جدا شده اند، دعوت می کند که نیرو و امکانات خویش را در جهت متحد کردن بیشتر سازمان، سر بلندی آن و شرکت فعالانه و یکپارچه در جنبش دموکراتیک مردم ایران بکار گیرند. شورای مرکزی خود با وفاداری به مصوبات نخستین کنگره خواهد کوشید، گام در این راه بگذارد.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

اطلاعیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

پیرامون آزادی اسرا و نزدیکی صلح

در صفحه ۳

اطلاعیه هیئت رئیسه اولین کنگره سازمان

الحاق کویت به عراق را محکوم می کنیم

در صفحه ۳

در این شماره

از مصوبات کنگره

در صفحه ۲

گزارش نخستین اجلاس شورای مرکزی

در صفحه ۲

مصاحبه با رفیق فرخ نگمدار

در باره کنگره و نتایج آن

در صفحه ۹

فول بور و کراسی در کشور

در صفحه ۳

بحران سیاسی در چین

در صفحه ۶

قطعنامه "بررسی اجمالی خطاهای سازمان در دهه اخیر"

در صفحه ۱۲

از مصوبات کنگره

مصوبه کنگره در باره هدف سیاسی ما

سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت در راه پایان دادن به رژیم جمهوری اسلامی و استقرار دموکراسی پارلمانی در شکل جمهوری فدراتیو مبارزه می کند.

ارزیابی از نظام سلطنت و سیاست اتحادها

مردم میهن ما در انقلاب بهمین به رژیم سلطنتی نه گفتند و آن را سرنگون کردند. سازمان، نظام سلطنت را نظام غیر دموکراتیک می شناسد. سازمان در سیاست اتحادها، به همکاری و اتحاد همل و تشکیل جبهه با نیروهای جمهوریخواه طرفدار دموکراسی تاکید دارد و اتحاد با سلطنت طلبان را رد می کند.

گزارش

نخستین اجلاس شورای مرکزی

نخستین اجلاس شورای مرکزی منتخب کنگره با حضور ۹ نفر از اعضای آن در روزهای ۲۴ تا ۲۶ مرداد ماه برگزار گردید. از میان انبوه مسائل پیش رو، شورا در نخستین اجلاس خود توانست تقسیم کار و سازماندهی داخلی خود را به انجام برساند و تصمیماتی نیز در سایر زمینه ها اتخاذ کند.

۱- در زمینه تقسیم کار داخلی، شورا با تشکیل کمیسیونی کارشمارش آنرا نمایندگان کنگره برای تشکیل گروههای کار را به پایان رساند و نتایج انتخابات را به اعضای انتخاب شده اعلام نمود. سپس مسئولین گروههای ۱۰ گانه کار از میان اعضای شورای مرکزی انتخاب شدند و تقسیم کار شورا انجام گرفت.

۲- شورا چگونگی تهیه گزارش کنگره را بررسی کرد و سمت های عمومی آنرا به اتفاق آراء تصویب نمود. اطلاعیه شورای مرکزی و گزارش کنگره نخست در اولین شماره های کار و اکثریت که پس از کنگره منتشر می شوند درج خواهد شد.

در جلسه شورا تاکید به عمل آمد که نشریات سازمان، ضمن بازتاب دادن آراء و افکار متفاوت، باید پاسدار آن روحیه وحدت و یگانگی باشند که در ساعات آخر کنگره به نمایش درآمد.

۳- از آنجا که کنگره سازمان نتوانست اسناد مدون شده ای در زمینه مشی سیاسی و تشکیلاتی ارائه دهد، شورای مرکزی براساس مصوبات کنگره در زمینه شعار استراتژیکی و سیاست اتحادها سند سیاسی خود را تنظیم و تا تعیین نتیجه نظر خواهی از اعضا، مبنای حرکت خود قرار خواهد داد. در زمینه مسایل سازمانی نیز بهمین ترتیب عمل خواهد شد و شورای مرکزی کار پایه تشکیلاتی کمیسیون منتخب کنگره را سنده مبنای خود قرار خواهد داد. در این زمینه ۴ قرار زیر به تصویب رسید. "قرار در مورد چگونگی تدوین سند خط مشی و برنامه سیاسی".

۱- کمیسیونی مامور تهیه سند خط مشی و برنامه سیاسی سازمان می شود.

۲- سند تهیه شده، پس از تصویب در شورای مرکزی و به امضای آن در سطح جنبش منتشر می شود.

۳- از زمان انتشار تا زمان فراتراندن، این سند مبنای کار شورای مرکزی خواهد بود.

۴- در تشکیل کمیسیون تهیه سند، الویت با کمیسیون اسناد منتخب کنگره است. بدلیل تعجیل، در صورت عدم امکان همکاری کمیسیون اسناد، از رفقای دیگر هم برای تشکیل کمیسیون استفاده می شود.

۵- مدت زمانی برای اظهار نظر اعضای سازمان در نظر گرفته می شود.

۶- پس از جمع آوری نظرات و انجام اصلاحات، سند مجدداً منتشر می شود و همزمان با آن ماده زیر به فراتراندن گذاشته می شود:

در باره تعریف هویت سازمان

۱- سازمان ما از دل جنبش فدائیان خلق که در دهه ۴۰ در پیکار علیه دیکتاتوری شاه با آرمان دموکراسی و سوسیالیسم شکل گرفت، برخاسته است. جنبشی که هدف پایدار آن خدمت به کارگران و زحمتکشان، تامین صلح، آزادی و عدالت اجتماعی برای مردم و کسب استقلال و پیشرفت اقتصادی و سر بلندی برای میهن عزیز ما ایران بوده است.

۲- آرمان ماسوسیالیسم است. سازمان ما برای دستیابی به ارزش های سوسیالیستی مبارزه می کند.

در باره مضبوطات سازمان

۱- تا کنگره دوم، سازمان دوشهریه "کار" و "اکثریت" را منتشر می کند.

۲- کنگره هیئت رهبری سازمان را موظف می کند تا از ایده انتشار یک نشریه دموکراتیک خبری - سیاسی - اجتماعی استقبال کرده، همه امکانات خود را برای ایجاد زمینه های انتشار چنین نشریه ای به طور فعال به کار گیرد.

این سند تا تشکیل کنگره دوم مبنای کار سازمان است. تبصره: تأیید این سند به معنای موافقت با تمام آن نیست و تنابذین معنی است که فرد تأیید کننده می پذیرد تا کنگره دوم، سازمان بر مبنای سند فوق حرکت کند.

۷- در پر و سه فراتراندن نیز حداکثر همکاری با گروه کار اسناد کنگره معمول خواهد شد.

۸- این مصوبه در اولین گزارش کار شورای مرکزی به اطلاع اعضای سازمان رسانده خواهد شد.

قرار در مورد سند کار پایه تشکیلاتی:

"سند کار پایه تشکیلاتی مصوبه کمیسیون تشکیل شده در کنگره بعنوان سند مبنای دستور کار شورا قرار می گیرد و مطابق با قرار" در مورد چگونگی برخورد با خط مشی و برنامه سیاسی عمل خواهد شد.

تبصره: در صورتی که سند مبنای بدون تغییر در شورای مرکزی به تصویب برسد، اعلام خواهد شد که این سند مصوبه کمیسیون تشکیل شده در کنگره نیز بوده است.

مردود قرار فوق به اتفاق آراء به تصویب رسید.

۴- در مورد رادیو زحمتکشان، شورای مرکزی تقویت کادر رادیو را مسئله عمده در جهت بهبود کار رادیو زحمتکشان ارزیابی نمود. تصمیم گرفته شد برای تامین کادر مورد نیاز رادیو اقدامات مناسب صورت گیرد. تهیه گزارشی از نیازهای رادیو و اتخاذ سیاست تامین مالی برای کادرهای داوطلب از جمله این موارد است. در این زمینه هم چنین تصمیم گرفته شد، ترتیب اعزام اعضای گروه کار رادیو بر حسب نیازهای موجود داده شود.

مناسبات سازمان با حزب توده ایران در رادیو نیز مورد بررسی قرار گرفت و تصمیم گرفته شد امکانات جدید کردن برنامه های رادیویی مورد بررسی قرار گیرد.

قرار زیر در مورد برابری ساختن حقوق سازمان با حزب چارچوبه وضع موجود به تصویب رسید:

"نظر شورای مرکزی در مورد چرخشی بودن سردبیری رادیو به مسئول حزب در رادیو اعلام شود. لازم است ظرف یکماه حزب به این خواست پاسخ دهد. در صورت عدم پاسخ حزب، شورای مرکزی تصمیم لازم در این زمینه را اتخاذ خواهد نمود. در فاصله زمانی یکماه مورد نظر، شورای مرکزی سعی می کند با رهبری حزب نیز تماس بگیرد و مسئله را حل کند."

۵- در مورد نشریات، تنظیم مناسبات شورای مرکزی با هیئت تحریریه نشریات کار و اکثریت، موضوع اصلی بحث در این زمینه بود. تا قبل از کنگره شورای سردبیری نشریات از طرف کمیته مرکزی برگزیده می شد و در برابر آن مسئول بود. اما هیئت تحریریه های جدید کار و اکثریت منتخب کنگره می باشند و به رغم آنکه ملزم به مراعات سیاستهای عمومی شورای مرکزی هستند، اما

شورای مرکزی قادر به تغییر ترکیب آنها نیست. برای جلوگیری از افتخاش در زمینه مواضع اتخاذ شده از سوی شورای مرکزی از یکسو و هیئت تحریریه نشریات از سوی دیگر، لازم است مکانیسمی اتخاذ شود که در صورت بروز اختلاف نظر، خوانندگان بتوانند تشخیص دهند که مواضع اتخاذ شده مواضع شورای مرکزی است و یا فقط

قطع نامه در باره برگزاری کنگره دوم

۱- کنگره آتی سازمان حداکثر تا یک سال دیگر برگزار می شود. شورای مرکزی منتخب کنگره اول مسئول برگزاری کنگره دوم است.

۲- نمایندگان تشکیلات خارج از کشور صرفاً از طریق انتخابات برگزیده می شوند.

۳- تعیین حد نصاب بر عهده شورای مرکزی است. شورا موظف است حد نصاب تعیین شده را به اطلاع تشکیلات برساند.

۴- نمایندگان فعالین سازمان در داخل کشور بر اساس ضوابط مصوب شورای مرکزی به کنگره فراخوانده خواهند شد.

۵- شورا موظف است برای شرکت رفقای که به دلیل ماموریت های حزبی خاص، در تشکیلات سازماندهی نشده اند، ضوابط ویژه ای را تدوین کرده، به اجرا گذارد.

۶- اعضا شورای مرکزی منتخب کنگره اول، با حق رای در کنگره دوم شرکت می کنند.

۷- شورای مرکزی موظف است ضوابط مطروحه در بندهای ۴ و ۵ این قطع نامه را به اطلاع تشکیلات رسانده به نظر خواهی بگذارد.

مورد تأیید هیئت تحریریه می باشد.

قرار زیر در جهت تنظیم رابطه شورای مرکزی و هیئت تحریریه نشریات کار و اکثریت با رعایت مواضع به تصویب رسید.

قرار در مورد نشریات:

۱- مسئولیت مقالات با امضا بر عهده نگارنده آن است.

۲- مسئولیت مقالات بی امضا بر عهده هیئت تحریریه است.

۳- اگر سردبیر - بعنوان نماینده شورای مرکزی - با مواضع اتخاذ شده از سوی هیئت تحریریه مخالف بود، هیئت تحریریه برای مشخص شدن این اختلاف، موظف است امضای خود را در زیر مقاله مورد اختلاف قید کند.

۴- تحلیل های مورد تأیید تحریریه و سردبیر می توانند با امضا فردی نیز منتشر شوند. این تأیید را می توان با درج مقاله در جای مناسب نشان داد.

قرارهای زیر در مورد نام نشریه کار نیز به تصویب رسید.

۱- از اولین شماره پس از کنگره بجای عبارت "ارگان کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)" از عبارت "ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)" در زیر نام نشریه استفاده خواهد شد. "این قرار به اتفاق آراء تصویب شد.

۲- "سریکلیشه فعلی کار تا تعیین طرح جدیدی که پس از نظر خواهی عمومی به تصویب برسد، به همین شکل باقی خواهد ماند." این قرار با ۵ رای موافق تصویب شد.

۶- در زمینه تشکیلات خارج چارچوبه و وظیفه گروه کار تشکیلات خارج - با توجه به انحلال کمیته خارج در کنگره - موضوع اصلی بحث در این زمینه بود. پس از بحث های مفصل در این مورد قرار زیر به تصویب رسید:

"تعلق عمومی شورای مرکزی این است که گروه کار تشکیلات خارج، جانشین کمیته خارج می باشد. کیفیت مناسبات گروه کار خارج با تشکیلات کشورها، منوط به تهیه آئین نامه تشکیلات خارج از کشور است."

۷- شورای مرکزی هم چنین انتخاب گروه کار در رابطه با داخل کشور را مورد بررسی قرار داد و تصمیماتی در این زمینه اتخاذ نمود.

۸- شورای مرکزی وظیفه دعوت رفقای معترض به تشکیلات را جزو وظایف مهم دور آتی خود ارزیابی نمود و در این زمینه قرار می جهت تماس و گفتگوی اعضای شورای مرکزی با رفقای معترض به تصویب رساند.

۹- شورای مرکزی هم چنین وظایف گروه کار خلقها، استقلال مالی نشریه اکثریت و بهبود وضع مالی سازمان از طریق دریافت حق عضویتها، رسیدگی به فعالیتهای مالی قبل از کنگره و تنظیم سیاستهای مالی را مورد بررسی قرار داد. در این موارد تصمیمات مشخصی اتخاذ شد.

جلسه نخست شورای مرکزی بار و حیه کاری برگزار شد. اعضای شورا به اتفاق آراء بر این نکته تاکید کردند که بنایای دسته بندیهای گذشته نباید به درون شورای مرکزی جدید راه یابد و شورا با ابادا مه دادن فضای پایانی کنگره باید همه نیروی خود را در جهت حل مشکلات موجود، برگزاری موفقیت آمیز کنگره دوم و کمک به تقویت نقش سازمان در میان مردم به کار گیرد.

الحاق کویت به عراق را محکوم می کنیم

پیرامون آزادی اسرا و نزدیکی صلح

بدنبال اشغال خاک کویت بوسیله ارتش رژیم صدام و اعلام الحاق کویت به عراق از سوی این رژیم تجاوزگر بار دیگر اوضاع منطقه خاور میانه و خلیج فارس به شدت بحرانی شده است.

ورود ارتش آمریکا به منطقه و استقرار اولین واحدهای آن در خاک عربستان سعودی به بحران حدت و بیژهای بخشیده و این خطر را تقویت کرده است که بار دیگر منطقه خلیج فارس به هرصه درگیر بیخای خونین و جنگ های ویرانگر بدل شود.

یازده سال پیش در چنین روزهایی حاکمان توسعه طلب و ماجراجوی عراق تجاوز به خاک میمنه ما را آغاز کردند و جنگ هشت ساله ای را سبب شدند که به بهای از دست رفتن هشتی صدها هزار تن از مردم ایران و عراق و ویرانی دو کشور تمام شد. اکنون رژیم تجاوزگر و جنگ افروز عراق با اشغال کشور کویت و نقض خشن و خیره سرانه قوانین و حقوق بین المللی، اوضاع منطقه را به شدت متشنج و بحرانی ساخته است. مردم ایران و سایر کشورهای منطقه سخت نگران شعله ور شدن جنگی دیگر هستند.

سازمان ما، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، الحاق کویت به عراق را قویا محکوم کرده، خواستار عقب نشینی فوری و بدون قید و شرط ارتش تجاوزگر عراق به پشت مرزهای شناخته شده بین المللی است.

ورود ارتش آمریکا به منطقه به بهانه دعوت دولت عربستان سعودی و دفاع از این کشور در مقابل تجاوز احتمالی ارتش عراق صورت گرفته، ادامه سیاست ژاندارمی دولت آمریکاست و موجب تشدید بحران در منطقه خواهد شد.

یکپارچگی جهان در اعلام تحریم اقتصادی و تسلیحاتی عراق و تصویب به اتفاق آرا قطعنامه ۶۶۴ در شورای امنیت سازمان ملل متحد این امید را تقویت کرده است که جهان امروز بتواند به شیوه های متمدانه، حکومت تجاوزگر عراق را به جای خود نشاناند.

اقدام سنجیده شورای امنیت در همین حال اثبات می کند که سازمان ملل متحد یگانه مرجعی است که می تواند برای مقابله با تجاوز خیره سرانه و جنایتکارانه رژیم صدام هماهنگی و هدایت اقدامات بین المللی را بر عهده گیرد.

دولت آمریکا اگر در واقع سونیتی ندارد نباید نیروی خود را در خدمت اجرای تصمیمات این مرجع معتبر بین المللی قرار دهد و از لشکرکشی خود سرانه پرهیز نماید.

مزاران تن از هم میهنان زحمتکش ما در کویت اقامت دارند. اکنون بیم آن می رود که هستی و جان آنها در معرض تجاوز اشغالگران عراقی قرار گیرد. مانگرانی همیق خود را نسبت به جان این هم میهنان ابراز داشته، از همه مراجع بین المللی و بویژه از سازمان ملل متحد می طلبیم تا برای حفظ امنیت آنها مساعی لازم را معمول دارند.

ما از اقدام یکپارچه شورای امنیت سازمان ملل متحد در مقابله با تجاوزگری رژیم صدام حسین پشتیبانی کرده، خواستار آتیم که جامعه جهانی با اجرای کامل قطعنامه ۶۶۴ شورای امنیت و اعمال کامل تحریم تسلیحاتی و اقتصادی علیه عراق، رژیم میلیتاریست و قلد رمنش صدام را به عقب نشینی سریع از کشور کویت و گردن نهادن به قوانین بین المللی و ادار سازد.

هیات رئیسه نخستین کنگره سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

۱۸ مرداد ۱۳۶۹

یادداشت

روزنامه نگار آدم روشننگری است که وقتی می نویسد، می خواهد مردم نوشته اش را بخوانند و از او تاثیر بپذیرند و این مردمی که مخاطب نوشته های او هستند هر دم زیادتر شوند و ضمنا بدانند کسی که با آنها حرف می زند کیست. مدیریت یک نشریه اگر این تحایل طبیعی، انسانی و سازنده را نبیند باقیه راسی باز و نهنی تواند چیز قابل قبولی عرضه کند. این یک روی سکه است. روی دیگر سکه اینست که وقتی کسانی - خواه رهبران یک حزب یا سازمان و خواه سرمایه گذاران و موسسات تجاری - نشریه ای را به راه می اندازند و آدمی را هم به عنوان مدیر، سردبیر یا هر چیز دیگری بر بالای آن "نصب" می کنند می خواهند نشریه در راهی برود که آنها می خواهند.

این دو گرایش طبیعی باید در یک نقطه تعادل همدیگر را پیدا کنند و بر آیند. آنها راه نشریه را پیش پای هر دو بگذارد. اگر صاحبان نشریه موجوداتی تنگ نظر باشند، راه مطلوبشان باریکه ای مال و خواهد شد که به هصر پیش از ماشین متعلق است و اگر آنها که در نشریه قلم می زنند آدمهای باری به هر جهت باشند، راه دلخواهشان نه راه که پهن دشتی بی مرز از کار در می آید.

شورای مرکزی سازمان در اجلاس نخست خود قراری را به تصویب رساند که باید بر مناسبات متقابل نویسندگان، تحریریه کار و شورا ناظر باشد. خوانندگان نشریه می توانند متن این قرارداد را گزارش کار شورای مرکزی که در همین شماره درج شده است ملاحظه کنند.

به طور طبیعی "کار" به عنوان ارگان مرکزی باید بیانگر مواضع و سیاست های شورای مرکزی باشد. اما این امر "طبیعی" اگر به گونه ای ساده درک شود، نشریه را به یک بلندگوی بی خاصیت با چهره ای هبوس و همیشه تکرار شونده و بدنبال آن نویسنده راه آدمی که فقط باید نظرات "بالا" را توجیه و تفسیر کند و دائما مراتب باشد که میباید با "بالا" زاویه پیدا کند، بدل می کند.

روزنامه نگاری هم مثل هر حرفه دیگری قواعد خودش را دارد و اگر نشریه ای خواهد این قواعد را نادیده بگیرد، به زور هیچ سوبسیدی نمی تواند از مرگ محتوم بگریزد.

پس از سالها رنج و انتظار سر انجام مهرا سیر جنگی به آفوش خانوادگی خود باز می گردند و مغربت شوم جنگ می رود تاجای خود را به صلحی پایدار بدهد. اعلام آزادی اسرا و پذیرش قرار داد ۱۹۷۵ الجزایر از سوی رژیم عراق، با موجی از خرسندی در میان مردم ایران و جهان همراه گشته است. فدائیان خلق خود را در این شادی بزرگ، شریک مردم ایران و خانواده هائی می دانند که پس از رنج و انتظاری طولانی هزیران خود را در آفوش می کنند.

روند برقراری صلح، بدنبال سخنان صدام حسین رئیس جمهور عراق، در هفته گذشته، به مرحله نهائی خود نزدیک شد. رژیم عراق که تا چندی پیش از پذیرش شرایط صلح هادلانه خودداری می کرد و با طرح شروط نامعقول مانع اجرای قطع نامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد می شد، هفته گذشته اعلام کرد که سر بازان خود را به طور کامل به پشت مرزهای بین المللی عقب می کشد و به اشغال مناطقی از خاک ایران که پس از جنگ هم چنان در تصرف خود نگاه داشته بود، پایان می دهد، حکومت عراق برای مبادله اسرای جنگی و پذیرش قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر در مورد حاکمیت مشترک و برابر حقوق دو کشور بر شطالرب نیز اعلام آمادگی کرد. هم اکنون مبادله اسرا و عقب نشینی نیروهای عراقی به پشت مرزهای بین المللی آغاز شده است.

رژیم صدام حسین در شرایطی تن به عقب نشینی از مواضع پیشین خود داد که جهان در پاسخ به اشغال کشور کویت بوسیله ارتش عراق، با اعمال تحریم تسلیحاتی و اقتصادی علیه عراق، حکومت بغداد را در بن بست کامل قرار داد. جمهوری اسلامی نیز با موضع گیری محتاطانه در قبال اشغال کویت، در انتظار دریافت پاسخ مساهد از سوی رژیم صدام به سر می برد.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت ضمن قدردانی از تلاشهای سازمان ملل متحد و بویژه از زحمات آقای خاویز پرزد کوپار برای استقرار صلح پایدار میان دو کشور، نگرانی همیق خود را نسبت به خطر همدستی دو رژیم در سر کوب خلق کرد و معامله بر سر ایو سیون ایرانی و عراقی مستقر در خاک طرف مقابل، ابراز می دارد.

خلق ستمدیده کرد در مبارزات خود با رهاق رانی معاملات فیر انسانی رژیم های منطقه شده است. در هم شکستن جنبش خلق کرد پس از توافق شاه و صدام حسین در سال ۱۹۷۵ آخرین نمونه آن است. اینک بار دیگر خطر سازش دو رژیم خونریز ایران و عراق در سر کوب جنبش دیر پای خلق کرد در کشورهای ایران و عراق نگرانی همیق مردم و نیروهای مشرقی و انسان دوست ایران و جهان را برانگیخته است.

اکنون خطر جدی نیروهای حزب دمکرات کردستان ایران و سایر نیروهای سیاسی خلق کرد را تهدید می کند، شمار کثیری از نیروهای سازمان مجاهدین خلق ایران در جنگ رژیم بی رحم صدام گرفتار آمده اند و بخشی از نیروهای سیاسی ایرانی دیگر نیز در وضعیت مشابه قرار دارند. از سوی دیگر نیروهای سیاسی خلق کرد عراق و دیگر نیروهای اپوز سیون رژیم عراق، در معرض خطر اسارت در جنگ رژیم فقعا قرار گرفته اند.

ما ضمن ابراز نگرانی همیق نسبت به خطراتی که بویژه نیروهای حزب دمکرات کردستان ایران و سازمان مجاهدین خلق ایران را تهدید می کند، از همه مجامع بین المللی استمداد می طلبیم تا تضمین های لازم را جهت جلوگیری از معاملات فیر انسانی دو رژیم بر سر اپوز سیون ایرانی و عراقی فراهم نمایند.

ما از سازمان ملل متحد و مراجع جهانی مدافع حقوق بشر می خواهیم تا با بزل مساعی لازم مانع همدستی دو رژیم در سر کوب خلق ستمدیده کرد در کشورهای ایران و عراق شوند.

ما به همراه مردم ایران با مردم کشور همسایه، کویت، که اکنون میهنشان به اشغال ارتش تجاوزگر صدام در آمده ابراز همدردی می کنیم و ایمان داریم که مردم کشورهای منطقه و بویژه مردم ایران و عراق به پشتوانه تجربه تلخ ۸ سال جنگ ویرانگر می توانند توسعه طلبی جنون آمیز رژیم صدام و خوی ماجرا جویانه رژیم فقعا را راجا رکنند و مرزهای کشورهای منطقه را به مرزهای دوستی و برادری بدل سازند.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ۲۴ مرداد ۱۳۶۹

نشریه چاپ کند. و نتیجه آنکه مقاله به امضای نویسنده چاپ می شود. و این اولین نکته مثبت قرار است. دومین نکته مثبت به حق و حقوق کسانی بر می گردد که ذوق و ابتکار خود را برای آنکه حرف سازمان را به گوش مردم برسانند بکار می گیرند ولی به "جرم" آنکه حرفشان حرف سازمان است از اسم و امضا محرومند. قرار تصریح کرده است که ایندسته از رفقا اگر مایل باشند می توانند نامشان را پای مقاله درج کنند و برای آنکه اینگونه مقالات با مقالات نوع اول متمایز باشد برای هر کدام صفحات ویژه ای در نظر گرفته می شود.

سومین و آخرین نکته مهم قرار بر مناسبات تحریریه و شورای مرکزی ناظر

به سازمان خودمان باز گردیم. وقتی کسی هضویت را پذیرفته، به طور طبیعی با قاعده "همراه" شده است و بنابراین استثنای بیراهه رفتن فلان قلم زن نشریه را به قاعده تبدیل کردن با عقل و منطق نمی خوانند.

شورای مرکزی قرار خود را با این هدف تصویب کرد که میان حق نویسنده، تحریریه نشریه و خودش به عنوان نماینده مالک نشریه - کنگره سازمان - رابطه ای معقول و مبتنی بر دموکراسی برقرار سازد. و نشریه را در جهت قاعده ژورنالیسم سوق دهد.

در این قرار تصریح شده است که وقتی نویسنده ای نمی خواهد سردبیر مقاله اش را دستکاری کند، نه سردبیر و تحریریه حق دارند مقاله را به سطل آشغال بیندازند و نه نویسنده حق است که مقاله را به اسم

فَساد

فَساد مالی، پیدایش و شیوع انواع سوء جریانه و تخلفات اداری و وجود رشوه خواری و ارتشاء در بسیاری از سطوح دستگاه‌های دولتی و سازمانهای وابسته بدولت به یکی از مسائل جدی نظام اداری کشور تبدیل شده است.

برای پیداکردن شغلی مناسب، برای بهره مند شدن از مراقبت‌های لازم بهداشتی و برخورداری از خدمات لازم به هنگام مراجعه و بستری شدن در بیمارستانها، برای دریافت کالایا خدمات، دریافت زمین از تعاونی مسکن، استفاده از مصالح دولتی در ساختن ساختمانها، استفاده از وام‌های بانکی، معوق انداختن پرونده قضایی، دریافت گواهی عدم سوء پیشینه، گرفتن شناسنامه، گریز از پرداخت مالیات و... باید به اصطلاح روز سرکیسه راشل کرد. این روابط بین کارمندان دولت و ارباب رجوع بوضوح مشاهده میشود.

شاهد وجود نشان دهنده این واقعیت تلخ است که مشاغل پر درآمد در دستگاه‌های اداری کشور بدون توجه به اولویت‌های تحصیلی و کار ائنها قابلیت‌های لازم اکثرا در اختیار آخوند‌های حاکم و یا توسط آنها در اختیار یکی از نزدیکانشان قرار گرفته است. عناصر فاسد در مقابل هدایا و وجوه و مبالغی که می‌گیرند خود را ملزم به اجرای قانون نمی‌بینند. روزی نیست که در صفحات حوادث روزنامه‌های یومیه خبری مربوط به سوء استفاده‌های کلان مالی توسط مدیران و کارمندان ادارات درج نشده باشد.

در میان این سوء استفاده کنندگان، مسئولین اصلی کشور نقش زیادی دارند. مسئولین کشور با بنیادها، صندوق‌های ترش الحسبه، شرکت‌های مختار، موسسات تجاری و تولیدی به زد و بند می‌پردازند، اطلاعات دقیق از برنامه‌ها و سیاستهای رژیم قبل از اعلان رسمی در اختیار این موسسات می‌گذارند، کالاهای بطور غیر قانونی باین موسسات می‌فروشند، برای صدور اجازه فعالیت به شرکتها و راه انداختن کارهای مردم رشوه‌های کلان می‌گیرند، در خریدهای خارجی سوء استفاده می‌کنند، از قراردادهایی که با شرکت‌های خارجی می‌بندند، حق السهم دریافت می‌کنند.

مقامات دولتی در مقابل سوء استفاده‌های میلیاردی و میلیونی دم فرو می‌بندند و کاری انجام نمی‌دهند. روزنامه‌های اطلاعات می‌نویسد: "مدیر عامل یکی از شرکت‌های تحت پوشش صنایع سنگین در طی دوران مسئولیتش میلیاردها ریال سوء استفاده مالی مرتکب شده، با اینکه چندین بار مراتب توسط افرادی به اطلاع سازمان بازرسی کل کشور رسیده، اما متأسفانه بغیر از پاره‌های اقدامات گسیخته و کم ارزش این سازمان اقدام دیگری انجام نداده است." (اطلاعات ۲۷ مهرماه ۱۳۶۷).

سران رژیم از فاش شدن ابعاد و همق فساد در دستگاه دولتی وحشت دارند. هم اکنون دستگاه قضایی کشور پر است از پرونده‌های سوء استفاده‌های مالی. اما این پرونده‌ها در انتظار همومی قرار نمی‌گیرند. سران رژیم آنها را مسکوت گذارده و یاب و باگانی می‌فروشند و در مواردی نیز سر به نیست می‌کنند. زمانیکه پرونده‌های سر و کله‌اش در دادگاه پیدا میشود، مسئولین قوه قضایی کشور دادگاه را قیصر هلنی اعلام می‌کنند تا جریان دزدیهای مسئولین کشور به بیرون درز نکند. روزنامه رسالت از رئیس قوه قضائیه می‌پرسد: "گفته میشود تعداد زیادی پرونده از جمله پرونده‌های بسیار در زمینه سوء استفاده‌های مالی قبل از مدیریت شما منقود شده است، آیا این خبر صحیح است؟ اگر درست است شما چه اقداماتی برای تعقیب کسانی که در حفظ پرونده‌ها مسئولیت داشتند انجام داده‌اید؟ مردم باید بدانند شما پرونده‌ها را چگونه گم شده مربوط به چه کسانی بوده و چه کسانی با چه امدادی در حفظ آنها کوتاهی کرده‌اند؟" (رسالت فروردین ماه ۱۳۶۹).

وضع کارمندان

کارمندان در دوره رژیم جمهوری اسلامی بیشترین فشار را متحمل شده‌اند. میزان حقوق آنان به هیچ وجه متناسبی با هزینه‌های زندگی و تورم فزاینده ندارد. از میزان قدرت خرید آنها مداوماً کاسته شده و روز بروز فقیرتر میشوند. جمهوری اسلامی توجعی به وضع کارمندان ندارد. سران رژیم هر چند وقت یکبار وعده

و وعده‌هایی میدهند و مقدار ناچیزی بر حقوق آنها می‌افزایند که دردی از آنها را دوا نمیکند. مسئولین حکومتی می‌گویند که میزان کارمندان زیاد است و بالا بردن حقوق آنها رقم کلانی را تشکیل خواهد داد و این امر موجب افزایش کسر بودجه و رشد تورم خواهد شد.

روزنامه رسالت در مورد حقوق کارمندان می‌نویسد اگر اثر تورم را طی سالهای ۷۰ تا ۷۱ افزایش ظاهری و اندک حقوق‌ها کم کنیم و قدرت خرید را مورد ملاحظه قرار دهیم با اندکی تسامح و بطور تقریب در می‌یابیم که قدرت خرید کارمندان در سال ۷۰ نسبت به سال ۶۰ کمتر از یک سوم تقلیل یافته است. این وضع تأثیرات خود را بر زندگی کارمندان گذاشته است. برخی از آنان برای گذران زندگی مجبور شده‌اند مایملک خود را فروخته و زندگی فقیرانه و آبرومندانه‌ای را سپری کنند. بخش بزرگی از کارمندان به شغل دوم و سوم روی آورده‌اند. شغل هائیکه هیچ سختی با کار آنها ندارد. کارمندان اغلب به رانندگی تاکسی، کرایه کشی، سیگار فروشی، دست فروشی، دلایی ارز، بنگاه معاملات ملکی و اتومبیل و غیره روی آورده‌اند.

ناچیز بودن حقوق کارمندان در مقابل هزینه‌های فزاینده زندگی، زمینه‌های مساعدی را برای رشوه خواری و ارتشاء در سطوح پائینی و میانی بخشی از آنها بوجود آورده است. آنها در مواردی کار مردم را به دست انداز می‌اندازند و یا معطل میکنند تا بتوانند رشوه بگیرند. این امر به رشد بوروکراسی کمک کرده است.

کارمندان در چنین شرایطی نمی‌توانند رفتی چندانی به شغل و حرفه خود داشته باشند و با آسوده خیالی کارهای مردم را راه بیاندازند. آنان تماماً بفکر تأمین معاش هستند و بعد از فراغت از کار اداره نمی‌توانند به استراحت بپردازند و تجدید توان کنند. پرداختن به شغل دوم و سوم،

ب. خلقی

فول بوروکراسی در کشور

در شماره پیش بخش اول این مقاله چاپ شد و در این شماره مقاله به پایان میرسد.

کارمندان را بعد کافی فرسوده میکند و این فرسودگی بر کار آنها در ادارات و چگونگی برخوردشان با مراجعین تأثیر می‌گذارد.

بی‌ثباتی و بی‌کفایتی مدیریت

یکی از مسائل پر اهمیت که در نظام اداری کشور باید به آن پرداخته شود، وضع مدیریت در دوره حکومت جمهوری اسلامی است. سران رژیم در اوایل انقلاب برای تسخیر دستگاه دولتی و خدمت خود در آوردن آن، به توصیه‌های رحمانه و کورکورانه مدیران در سطوح مختلف ادارات کشور و واحدهای تولیدی پرداختند. عناصر متخصص که سالها در کار خود تجربه و مهارت فراوان کسب کرده بودند، بجهت اینکه حزب الهی نبودند از مسئولیت هایشان کار گذاشته شدند. به نوشته مطبوعات کشور حدود ۶۰ هزار مدیر در اوایل انقلاب از کار برکنار شدند (روزنامه کیهان اول تیر ۱۳۶۷).

رژیم جمهوری اسلامی بجای افراد با تجربه و ماهر، حزب الهی‌های کم تجربه و کم دانش را گماشت. این امر فاجعه‌ای در سیستم اداری کشور و بالنتیجه افت کارائی آن و گسترش بوروکراسی بود. اکنون برخی از مسئولین کشور باین امر اقرار می‌کنند: "ما نه تنها نظام اداری سابق را اصلاح نکردیم بلکه روز به روز به حجم تشکیلات آن افزویدیم و نتیجه آن شد که امروزه با تشکیلات بی‌هدف و وسیع روبرو هستیم که کارائی آن نزدیک به هیچ است ما اداره امور را بدست افرادی که تخصص کافی در علم اداره داشتند نسپردیم و متأسفانه هم متوسط مدیران در جمهوری اسلامی کمتر از یکسال است. با نظام اداری را انداختیم زیر شلاق مدیران بی‌تجربه‌ای که با هم متوسط یکسال می‌خواستند جامعه را اداره کنند که این باعث شد منابع هنگفت ما بضرر برود." (سید محمود

طباطبائی سرپرست مدیریت همومی وزارت برنامہ و بودجه - کیهان ۳۰ خرداد ۶۷) و اضافه میکنند: "ما بعد از انقلاب به تنهایی توانائی‌های افراد اداری نهادیم بلکه گاه با تنگ نظری که ناشی از سلیقه‌های شخصی و تندروی و باند بازی بود افرادی را که بهر جهت تجربه‌های بدست آورده بودند کنار زدیم. نتیجه آن شد که مدیران نه تنها از علم کافی برخوردار نبودند بلکه اجازه ندادیم تجربه خوبی هم بدست آورند." (مهاجری).

در دوره حکومت جمهوری اسلامی یکی از مشخصه‌های اصلی نظام اداری، گماشتن مدیران کم تجربه و کم دانش در راس امور و تغییر مداوم آنهاست. بی‌ثباتی در مدیریت عوارض گوناگون در پی داشته است: فقدان برنامه ریزی میان مدت و بلند مدت، تعلیق کارها و مختل شدن نظم سیستم اداری، ایجاد ناامنی شغلی و گسترش روحیه عدم اطمینان بر خوردار باشند. ناایدارهای سطح مسئولیت پذیری، از دست رفتن فرصت کسب آموزش و تجربه کافی برای مدیران جوان.

ناایباداری مدیریت هموماً در سطح مدیران فنی است که این قبیل مدیران باتوجه به برخورداری از بار تخصصی و فنی در زمینه کار و حرفه خویش می‌باید از ثبات و استحکام و دوام بیشتری برخوردار باشند. ناایدارهای مدیریت در این بخش بیشترین لطمات و ضربات را به پیشبر دماور وارد کرده است.

باندبازی یک عامل مهم در عدم ثبات مدیریت است. چنانکه قبلاً گفته شد هر کسی که در راس امور قرار می‌گیرد، سعی میکند مستدسان خود را در پست‌های مختلف بکار و از مزایای آن بهره‌گیرد.

در دوره جمهوری اسلامی خصوصیات مدیریت همچنان بلا تغییر مانده است. ریخت و پاش‌ها و زیاده رویها ادامه دارد، بخشی از مدیران به شیوه‌های مختلف برای تثبیت مقام و موقعیت خود می‌کوشند و بیشترین امکانات اداری را بخدمت خود و نزدیکانشان در می‌آورند و یا بفکر راه انداختن دم و دستگاه برای خود هستند. هنوز نقش بخشی از مدیران تنها به تحکم و مراقبت خلاصه می‌شود. مدیران با فنون و شیوه‌های امروزی مدیریت آشنائی ندارند و اکثر آموخته‌های مدیریت را نگذرنده‌اند.

سطح برنامه ریزی در ادارات افت کرده است بگونه ای که مدیریت‌ها در سطح بسیاری از سازمانها و وزارتخانه‌ها و شرکت‌های دولتی قادر به برنامه ریزی حتی در سطوح کوچک و پائین سازمان نیستند. این امر یکی از معضلات مدیریت نظام اداری کشور است. پدیده دیگر وجود مدیر چند شغلی است که در برخی از سازمانهای اداری از قالب استثناء خارج شده و به لباس قاعده درآمده است. اینگونه مدیران در چند سازمانی که مسئولیتی بر عهده دارند ناچارند نایب‌مائی برای خود تعیین کنند و خود فقط به محل کار سر بزنند. کارکنان اکثر اینگونه مدیران کم آشنا و یا اصلاً ناآشنا هستند. آنها از رهوز و فنون کارهای مختلف در سازمانهای گوناگون تحت مدیریت خود کمتر سر در می‌آورند و بیشتر کارشان جنبه فرمال دار دتاکار واقعی.

بدون تردید وضعیت ناهنجار مدیریت و بی‌ثباتی آن، در افت کارائی دستگاه اداری کشور نقش مهمی دارد. تجربه کشور‌های پیشرفته صنعتی نشان میدهد که چگونه با تربیت مدیران ماهر و کاربست شیوه‌های مدرن در امر مدیریت، میتوان بازده کار را در ادارات کشور بالا برد.

چایگاه دستگاه اداری در تحولات اجتماعی

در کشور ما بلحاظ تاریخی و مشخص، دستگاه دولتی نقش بس عظیمی در حیات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور پیدا کرده است. تک محصولی بودن اقتصاد کشور، قرار گرفتن ارز کلان ناشی از فروش درآمد نفت در دست دولت، وود بخش عظیم دولتی در اقتصاد کشور، جذب نیروی عظیم کار در دستگاه دولتی، بلعیدن بخش اعظم بودجه کشور توسط دستگاه‌های اداری و نظامی، جنگ انداختن نظام اداری بر تمام شئون جامعه نقش ویژه و فوق العاده‌ای به دیوان سالاری در کشور ما بخشیده است. بدون تردید تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در کشور ما با دگرگونی نظام اداری کشور بطور تنگاتنگ گره خورده است. نظام اداری در کشور ما هم ابزار تحولات و هم بخش مهمی از مضمون آن است. دگرگونی نظام اداری شرط اولیه و یکی از عناصر اصلی برنامه تحولات اجتماعی است.

برای پیشبرد هر تحولی به ابزار کار نیاز است. بقیه در صفحه ۵

پیرامون تحولات منطقه بقیه از صفحه ۱

اشغالگرانه خود سود می جوید، مخالفت با حضور نظامی آمریکا در منطقه مختص کشورهای نیروهای عربی نیست، حتی در قرب نیز این مخالفت گسترش مییابد، جهان نمی خواهد شاهد جنگی باشد که اثرات آن بر هیچ کس روشن نیست.

نیروهای صلح دوست بدرستی بر این باورند که تجاوز عراق به کویت نمی تواند توجیه کننده دخالت نظامی خودسرانه آمریکا و هم پیمانانش در منطقه باشد. اگر امروز به دلیل تجاوز کاری صدام حسین دخالت نظامی آمریکا توجیه شود، فردا این کشور بیش از پیش خود را محق خواهد دانست که به بانه دفاع از آنچه که خود تشخیص می دهد، استقلال هر دولت دیگری را با نیروهای نظامی خود به خطر اندازد و گراناداها و پاناماها را دیگری بیافریند.

مداخلت نظامی آمریکا در منطقه را محکوم می کنیم و خواهان خروج فوری نیروهای نظامی آمریکا و تمام کشورهای خارجی از منطقه هستیم. ما با قاطعیت خواهان خروج فوری عراق از کویت و برپه شدن دولت دست نشانده آن در این کشور هستیم و از تحریم اقتصادی و نظامی این کشور توسط همه دولتهای جهان و استفاده از تمام امرهای سیاسی - اقتصادی و دیپلماتیک که عراق را برای پایان دادن به این تجاوز تحت فشار قرار دهد،

قول بوروکراسی ... بقیه از صفحه ۴
دستگاهی که پسوسیده، متمرکز، متورم، فاسد و دارای کارائی در سطح پایین باشد، قادر نخواهد بود تحولات را پیش برد. رویه حامل بازدارنده و ترمز کننده تبدیل خواهد شد. هر اصلاحات اجتهامی هر چند هم مترقی و رادیکال باشد، در پیچ و خم بوروکراسی گیر خواهد کرد. برای پیشبرد تحولات اجتهامی می بایست نظام موجود را دگرگون کرد و سیستم اداری کم حجم، غیر متمرکز، کارا، مجرب به روش کار مدرن و افراد متخصص و وفادار به منافع ملی و مردم بوجود آورد.

متأسفانه تاکنون ضرورت اصلاح نظام اداری کشور از جانب نیروهای سیاسی ایران آنگونه که باید جدی گرفته نشده است. هنوز در برنامه های ارائه شده جای ضرور باین امر اختصاص نمی یابد و راه حل های معینی ارائه نمی شود. برخی جریانهای چپ همچنان فرمول کهنه "درهم شکستن بوروکراسی حاکم" را مطرح می سازند بدون اینکه روشن کنند معنی این فرمول چیست و چگونه می خواهند آن را در هم بشکنند و چه چیزی را جایگزین آن سازند.

برای نیروهای چپ ایران چگونگی برخورد با دستگاه اداری دارای اهمیت زیادی است. تجربه کشورهای سوسیالیستی و برخی کشورهای رو به رشد نشان داد که چگونه سیستم فرماندهی - اداری می تواند به حامل بازدارنده تحولات اجتهامی و در مواردی به ابزار سرکوب مردم تبدیل شود. این مسئله زمانی اهمیت بیشتری پیدا می کند که بر این امر واقف باشیم که عوامل معینی بلحاظ تاریخی، اقتصادی و اجتهامی برای رشد بوروکراسی در کشور ما بسیار مهیاست. برنامه هایی که تاکنون توسط نیروهای چپ ارائه میشد اکثر آنها بلحاظ نوع برخورد با مالکیت، دولت و دموکراسی، بگونه ای بوده است که هملا رشد وسیع بوروکراسی را در بطن خود داشت و اگر با اجرا در می آمد مشابه آن سیستم هائی در می آمد که در کشورهای سوسیالیستی و هدهای از کشورهای روبه رشد وجود داشت.

دگرگونی دستگاه اداری کشور
با توجه به مسائلی که مطرح شد بجزرات میتوان گفت که دگرگونی نظام اداری کشور با مسائل متعدد بویژه مسائل سیاسی، اقتصادی، اجتهامی و فنی پیوند خورده است.
برچیدن سیستم سیاسی "ولایت فقیه" و گسترش دموکراسی در کشور

رژیم جمهوری اسلامی بر سیستم سیاسی "ولایت فقیه" و استبداد مذهبی متکی است که ناقض ابتدائی ترین حقوق دموکراتیک مردم است. رژیم جمهوری اسلامی یکی از خشن ترین دیکتاتورهای زمان ماست. رژیم مستبد به سیستم متمرکز، بوروکراسی حجیم، دستگاه متعدد سرکوب و افراد مطیع شدیداً نیازمند است. بدون سیستم بوروکراتیک، دیکتاتور هائی نتواند حکومت کنند. بوروکراسی و رژیم "ولایت فقیه" با هم عجین شده اند.

حمایت می کنیم.
تحول مهم دیگری که طی ماه گذشته در ارتباط با حوادث پیش گفته در منطقه ما اتفاق افتاد، گشایش به ظاهر ناگهانی در رودصلح میان کشورهای ایران و عراق است. چند روز پس از اشغال کویت، رئیس جمهور عراق اعلام کرد که کلیه شرایط اجرای قطعنامه ۵۹۸ را می پذیرد و با آزادی اسراء عقب نشینی نیروهای عراقی به پشت مرزهای بین المللی و پذیرش قرار داد ۱۹۷۵ الجزایر موافقت می کند.

پذیرش شرایط قطعنامه ۵۹۸ که مدت ۲ سال از سوی رژیم عراق خودسرانه نفی شده بود، در ارتباط مستقیم با تجاوز این کشور به کویت صورت میگیرد. عراق برای کاستن از فشارهای بین المللی، تأمین امنیت مرزهای شرقی خود و مقابله با محاصره اقتصادی، و جلب بی طرفی ایران در حمله به کویت به صلح با ایران تن داده است. رژیم جمهوری اسلامی به رغم رقابت دائمی با عراق برای کسب برتری در منطقه، در قبال تجاوز این کشور به کویت موضعی آشکار اعلام بد پیش گرفته است. جمهوری اسلامی در قبال لشکر کشی بی سابقه آمریکا به خلیج فارس نیز برخلاف معمول همیشگی موضع محتاطانه ای اتخاذ کرده است. آنچه از ظاهر امر بر می آید اینست که هم رژیم صدام، هم جمهوری اسلامی و هم کاخ سفید و اردبازی پیچیده های شده اند: صدام با اشغال کویت، جمهوری اسلامی با ابراز اعتماد عملی به صدام و میدان

تجربه تاریخی و رویدادهای اخیر کشورهای اروپای شرقی نشان داد که مقدم شرط برچیدن بساط بوروکراسی، همانا گسترش هلیت و دموکراسی در جامعه است. بدون گسترش دموکراسی صحبت کردن از اصلاح سیستم اداری معنی و مغزومی نخواهد داشت. میتوان این یا آن گوشه دستگاه اداری را اصلاح کرد ولی بدون دموکراسی در جامعه این اختاپوس همچنان بر زندگی مردم چنگ خواهد انداخت و روز بروز حجیم تر وی کفایت تر خواهد شد.

یکی از شروط اساسی در جامعه ما برای اصلاح سیستم اداری کشور، برچیدن رژیم استبداد مذهبی یعنی "ولایت فقیه" و گسترش هلیت و دموکراسی است.

برچیدن نظام ایدئولوژیک و توتالیتر جمهوری اسلامی رژیم توتالیتر و ایدئولوژیک است و تماماً تلاش می کند جامعه را مطابق نظام ایدئولوژیک خود سازماندهی نماید. مکتبی کردن سیستم اداری کشور و گماشتن افراد حزب الهی تالیق بجای مدیران شایسته و متخصص ناشی از توتالیتر یانسم رژیم است. برای جمهوری اسلامی آنچه در درجه اول اهمیت قرار دارد نه کارائی سیستم اداری و پیشبر دایره، بلکه مذهبی کردن ادارات کشور است. رژیم بجمین خاطر افراد غیر مکتبی را از ادارات دور ریخت و انجمن های اسلامی را در تمام ادارات از افراد حزب الهی تشکیل داد. طرح مسئله مکتب و تخصص از جانب سران رژیم، درست بخاطر ایدئولوژیک بودن جمهوری اسلامی است.

یکی از عناصر مهم در اصلاح سیستم اداری کشور، غیر مکتبی و غیر ایدئولوژیک کردن سیستم اداری کشور است. برای پیشبر دکارها و افزایش راندمان کار نه به افراد حزب الهی، بلکه به عناصر متخصص و مطیع قانون نیاز است.

استقرار نظام ندراتی در کشور
برای غیر متمرکز کردن نظام اداری کشور، علاوه بر گسترش دموکراسی و برچیدن رژیم "ولایت فقیه"، ضروری است که امور هر منطقه توسط شوراهای مناطق اداره شود و از ایجاد تمرکز در سطوح بالا و در تهران بطور جدی خودداری شود. دولت مرکزی تنها وظیفه هماهنگی توسعه اقتصادی، سیاست خارجی، دفاع ملی و حفظ حمایت کشور را بر عهده خواهد داشت.

انحلال ارگانهای زائد و اقدام سازمانهای متداخل، موازی و مضاهف

در دوره حکومت جمهوری اسلامی ارگانهای متعددی برای سرکوب نیروهای سیاسی و اعتراضات مردم بوجود آمده است. هلیت وجودی این ارگانها، تنها حفظ حکومت سرکوب گر است. این ارگانها تماماً می بایست منحل شوند و هزینه سنگینی که صرف ادار آنها میشد، بکارهای همراهی اختصاص یابد. علاوه دستگاه نظامی کشور برای پیشبر دسیاستهای جنگ طلبانه رژیم و

دادن به رقیب در فتنه خود در مسابقه برای کسب برتری در منطقه و آمریکا با لشکر کشی بی سابقه به منطقه آرایش سیاسی جدیدی را پدید آورده اند. سرعت تحول در شکل گیری آرایش جدید سبب شده است که ناظران سیاسی در پیش بینی نتایج نهائی با احتیاط سخن میگویند. اما یک نکته روشن است: قیمت نفت به سرعت افزایش یافته و هم چنان سیر صعودی دارد. و روند استقرار صلح میان ایران و عراق تسریع شده است.

صرف نظر از آنکه کار ما چراغی چون آمیزش نظام و لشکر کشی آمریکا به کجا بکشد در آنچه که به نتایج تو افراط ج او عراق مربوط میشود، سر نوشت اپوزیسیون ایرانی و عراقی مستقر در خاک دو طرف از اهمیت جدی برخوردار است. نگرانی همیق سازمان مانسبت به خطر آتی که اکنون متوجه این نیروهاست، در اعلامیه شورای مرکزی سازمان بازتاب یافته است. این نگرانی هم از بررسی تاریخی مسئله و هم از شناخت مانسبت به ماهیت ضد بشری دورژیم ناشی میشود.

در رابطه با خود توافق دورژیم اگر چه روندها در آغاز پر شتاب پیش رفته و به نظر میرسد که حداقل میتوان مسئله را سررا حل شده تلقی کرد، اما ادامه روند دستاویزی به قرار داد همه جانبه صلح از جهاتی به چگونگی سیر رویدادها بویژه در هر صه صف آرائی ارتش های آمریکا و عراق مربوط میشود و هنوز شاید نتوان روند استقرار صلح پایدار را قطعی و بدون وقفه دانست.

"صدور انقلاب" وسیعاً گسترش یافته است. می بایستی نیروهای مسلح تجدید ساز ماندهی شوند و دستگاه نظامی در حدی که بتواند از مرزهای کشور در مقابل مهاجمین دفاع کند، سازماندهی و تجهیز شوند.

همچنان که قلاً گفته شد دستگاه های متعددی بطور موازی و مضاهف بوجود آمده است و هزینه های سنگینی بر جامعه ما تحمیل کرده است. علاوه وظایف در دستگاه های دولتی بطور غیر منطقی تجزیه شده است و موجب ایجاد ارگانهای مشابه، متداخل و بی محتوی در سازمانهای مختلف شده است. لازم است که این ارگانها در هم ادغام شوند. اقدام آنها نباید بمعنی حجیم شدن ارگانهای جدید باشد. وظایف مشابه در ارگانهای متعدد می باید در یک ارگان متمرکز گردد.

علاوه در تمام سازمانهای دولتی با کار بست شیوه نوین کار، می بایست بشدت از میزان واحدها و بخش ها و میزان کار ماندان کاسته شود.

کاستن از نقش و وزن دولت در اقتصاد کشور

دولت بیک کار فرمای عظیم در کشور ما تبدیل شده است و با به انحصار در آوردن بخش بزرگی از هر صه های اقتصادی، موانع جدی در توسعه اقتصاد کشور بوجود آورده و بوروکراسی را گسترش داده است. می بایستی بخشی از مالکیت های دولت به اشکال مختلف به مالکیت جمعی در آید و به دیگر بخش های اقتصادی بویژه تعاونی ها نقش بیشتری در اقتصاد کشور داده شود. کاهش نقش دولت در اقتصاد کشور میتواند در کاهش بوروکراسی در کشور موثر واقع شود.

دیگر اقدامات

بکار گماردن مدیران متخصص و وفادار به مردم در راس امور، جلوگیری از تعویض پیاپی مدیران، تثبیت مدیران در سطوح فنی و پایه ای.

آموزش مداوم مدیران، گذراندن دوره مدیریت، جلوگیری از "چندپیشه" شدن مدیران.

کنار گذاشتن روش ها و سیستم های کهنه و فرسوده. توسعه سیستم مدرن در ادارات کشور با استفاده از آخرین محصولات الکترونیکی و کامپیوتری که موجب کاهش برخورد های فیزیکی بین مردم و ادارات شده و از میزان کالذکابازی به میزان قابل توجهی کاسته میشود.

برقراری سیستم صحیح اطلاعاتی در ادارات. تأمین زندگی کارمندان و ایجاد انگیزه کار در بین آنها. تغییر نظام ارزشیابی، برقراری مناسبات انسانی با کارمندان.

خافشا رشو خورای ها، اختلاسها، زدو بندها و محاکمه سوء استفاده کنندگان مالی.

سارائه مداوم اطلاعات از هلیکردهای ارگان های دولتی بجماعه.

مبارزه جدی با بازسازی و گرو گرائی در ادارات. کنار گذاشتن مقررات دست و پاگیر و تدوین قوانین جدید و متناسب با نیازهای زمان.

بحران سیاسی در چین

بررسی جامعه شناختی پیامدهای رفرم‌های اقتصادی و

پهروز

می‌توانستند وسائل تولید بنگارها را بفروشند. علاوه بخشی از بازار کار نیز به منظور افزایش قدرت رقابتی بنگاه‌ها آزاد شد. دوائر مربوطه به استخدام نیروی کار محل و بنگاه‌ها حق گزینش مستقیم پرسنل خود را یافتند. در اکتبر ۱۹۸۶ مقررات چهار ماده‌ای جدید پیرامون قرارداد های کار به تصویب رسید. هم‌اکنون تضمین حق کار خاتمه می‌داد و در مقابل بر تعداد کارگران قرارداد می‌افزود.

برداشتن کنترل دولتی قیمت‌ها یکی از عناصر اصلی رفرم در مرحله دوم بود. در سال ۱۹۸۵ سیستم واگذاری الزامی محصولات کشاورزی بدولت خاتمه یافت. بخش اعظم قیمت اجناس صنعتی نیز آزاد اعلام شد. در نظام بانکی نیز تغییراتی به وجود آمد. از سال ۱۹۸۴ به بعد بانکهای تخصصی کارهای تجاری و پذیرش سپرده‌ها را به عهده گرفتند و نظام بانکی متمرکز از بین رفت و موسسات متعدد سرمایه‌گذاری یا پولی به وجود آمد. همراه با گسترش ارائه وام‌های کوتاه مدت و گشایش چهار بورس ارز در شانگهای، یک بازار مالی نیز شکل گرفت. علاوه اولین بورس سهام پس از سال ۱۹۴۹ مجدداً در سال ۱۹۸۶ در شانگهای گشوده شد. برخی از بنگاه‌ها شروع به انتشار سهام و فروش آن در بازار بورس نمودند. برای تشویق فعالیت شرکت‌های خارجی و چینی - خارجی مقررات جدیدی در سال ۱۹۸۶ به تصویب رسید و چهار منطقه اقتصادی ویژه برای سرمایه‌گذاری خارجی تعیین گردید.

با این اقدامات هم‌اکنون کنترل دولت بر مکانیسم‌های اقتصادی کاهش یافت و در مقابل بر اهمیت امرهای تنظیم کننده اقتصادی نظیر اعتباری، پولی و قیمت‌گذاری افزوده شد.

دومین مرحله رفرم در چین، برخلاف نخستین مرحله آن با مسائل و موانع زیادی روبرو شد. قیمت‌ها در چین ثابت بودند ولی جیره بندی و صف‌های طولی همیشه وجود داشت. با آزاد شدن قیمت‌ها، قیمت کالاها شدیداً افزایش یافت. گرچه رفرم موجب افزایش حقوق و پاداش‌های کارگران و کارمندان بخش خصوصی شد، اما کارمندان بخش دولتی، معلمی و دانشجویان بشدت از افزایش قیمت‌ها آسیب دیدند. تورم بهمراه رشد قابل توجه نابرابری درآمد کارگران و کارمندان بخش دولتی با صاحبان مشاغل آزاد و کارمندان بخش تعاونی، به نارضایتی عمومی منجر گردید.

پیشبرد "نظام مسئولیت" در صنعت که با افزایش اختیارات مدیران مترادف بود، با واکنش شدید کارگران و کارمندان مواجه شد. آنها حاضر نبودند تضمین شغلی را از دست بدهند. علاوه لغو انحصار دولتی در سال ۱۹۸۵، موجب افت تولیدات کشاورزی گردید. نرخ رشد تولیدات کشاورزی ۹/۹ درصد در سال ۱۹۸۴ بود. در حالیکه در سال ۱۹۸۵ به ۳ درصد در سال ۱۹۸۶ به ۳/۵ درصد رسید. تولید فله در سال ۱۹۸۵، ۷۰ درصد کاهش یافت. دهقانان مرفه ماژادی سرمایه خود را برای سرمایه‌گذاری دراز مدت بکار نرفتند بلکه به کار خرید و فروش وسایل نقلیه، خرید سهام شرکت سهامی در روستا و خانه سازی پرداختند. دهقانان مرفه برای سرمایه گذاری امتیازات بیشتری از دولت می‌خواستند. از جمله تمهیدات دولتی جهت "قراردادهای خانوادگی"، علاوه بر قطعات کوچک زمینی برای کشت مکانیزه مناسب نبود و بالتجربه پس از افزایش قیمت موقت میزان بهره‌وری کشاورزی بخاطر آزاد شدن نیروی کار دهقانان خرده مالک، بتدریج این بهره‌وری ترقیل یافت.

رشد شتابان تولید و وسایل مصرفی نیاز به تامین تجهیزات و ماشین آلات داشت. این امر به افزایش عظیم واردات منجر گردید و موجب کسری تجارت خارجی نزدیک به ۳ میلیارد دلار در طی سالهای ۸۷-۱۹۸۴ گردید. چین برای تامین این کسری به اخذ وام‌های خارجی روی آورد. بدین خارج چین طی سالهای ۸۶-۱۹۸۳ به حدود ۲۷ میلیارد دلار رسید.

پدایش و تشدید تضادهای اجتماعی بر اثر رفرم، تبارز شکاف بین توقعات مردم از رفرم و نتایج محدود رفرم‌های مرحله دوم، رشدزاینده تورم و کمبود وسائل فنی و رشد عدم تناسب بین عرضه و تقاضا وضعیت جدیدی در کشور بوجود آورد. در این وضعیت کشک‌های اجتماعی شدت یافت و صف بندی بین نیروهای پیشبرنده رفرم و نیروهای بازدارنده آن آشکارتر گردید. زمانیکه تنگ شیائوپینگ و همکران او در اواخر دهه ۷۰ رفرم را آغاز کردند، هیچ گروه اجتماعی که در انجام نوسازی

بقیه در صفحه ۷

تاکون در مطبوعات ما اطلاعات محدودی در باره سیر تحولات در جامعه چین و پیامدهای اجتماعی آن انتشار یافته است. بویژه برای فعالین جنبش چپ مغرب و آموزش‌زده است که در باره سرنوشت بزرگترین انقلاب در شرق شناخت دقیق‌تر و مستندتری بدست آورند. جامعه چین که حدود ۲۰-۲۵ سال اول پس از انقلاب تحت رهبری مائو پیگیرانه در راستای تغییر بنیادین نظام اقتصادی گام برداشت طی یک دو دهه اخیر با دست زدن به یک رشته رفرم‌های اقتصادی کوشیده است عوامل کندکننده رشد اقتصادی را بر طرف سازد. عواملی که عمدتاً ناشی از لغو اشکال متنوع مالکیت و ایجاد تمرکز و وسیع در اقتصادی نارشد یافته بود. این رفرم‌ها در جامعه چین روی گروه‌های اجتماعی مختلف تأثیرات اقتصادی و بازتاب‌های سیاسی معینی داشته است. مقاله ذیل کوشیده است تأثیر رفرم‌ها روی اقشار مختلف جامعه چین و انعکاسات سیاسی ناشی از آن را مورد بررسی قرار دهد. اطلاعات مندرج در مقاله از نشریات و منابع خارجی (غیر چینی) مختلف اخذ شده است.

سال انباشته شده وحدت یافته بود. برای بررسی زمینه‌های پیدایش بحران لازم است به گرایش‌های مردم قبل از رفرم، چگونگی پیشرفت اصلاحات و تناقضات آن تأثیر رفرم روی اقشار مختلف جامعه و به تضادهای ناشی از رفرم اشاره شود.

مطالعات جامعه‌شناسان چین نشان میدهد که رفرم‌ها در اواخر دهه ۷۰ در شرایطی آغاز شد که مردم اکثرآ در وضع بیگانه و بی‌اعتماد نسبت به ارزش‌مندی تحمیلی بسر می‌بردند. نظر سنجی از دانشجویان دانشگاه نی جیان (Fujian) در سال ۱۹۷۹ نشان میدهد که فقط ۳۶ درصد آنان نسبت به مسائل سیاسی علاقمندی نشان داده و بقیه دانشجویان در موضع "بی تفاوتی"، "تفرق" و "ترس" قرار داشتند. یک سوم دانشجویان به کمونیست اعتقاد داشتند و اکثر آنها فاقد آرمان بوده و به "تقدیر" معتقد بودند. بیش از نصف دانشجویان اعتقاد به آینده شان نداشتند. آنها بر این نظر بودند که این امکان برای رهبران سیاسی نظیر لین بیاو و "باند چهار نفره" وجود دارد که در دهه آتی به صحنه سیاسی بیایند.

با پیشرفت رفرم، تغییرات سریع‌تری در اوضاع کشور بوجود آمد. ابتدا اصلاحات در هرصه کشاورزی و جامعه روستائی با عنوان برقراری "نظام مسئولیت" و "قرارداد خانوادگی" آغاز شد. کم‌نوا و بریگادهای روستائی منحل شد، اراضی به قطعات کوچک تقسیم گردید و در اختیار گروه‌های جداگانه دهقانان قرار گرفت. این اقدام به افزایش محصولات کشاورزی و بهبود وضع کشاورزان انجامید. درآمد سالیانه دهقانان طی سالهای ۸۵-۱۹۷۹ سه برابر شد و به میزان سرانه ۴۰۰ یوان رسید. قیمت محصولات کشاورزی و دستمزدها افزایش یافته و از فقر روستائیان کاسته شد. میزان تولیدات کالاهای کم دوام افزایش یافت. طی سالهای ۸۴-۱۹۷۸ دستمزدها و حقوق کارگران و کارمندان که طی سه دهه پیشین بندرت رشد کرده بود، ۶۰ درصد افزایش یافت. بگونه‌ای که متوسط دستمزدها کارگران هر سال ۱۹۸۶ به ۱۳۳۲ یوان رسید. رفرم به افزایش درآمد ملی و رشد تولیدات صنعتی منجر شد.

چین از سال ۱۹۸۱ به لحاظ نرخ رشد درآمد ملی و محصولات کشاورزی در ردیف دوم، بجهت نرخ رشد صنعتی در ردیف پنجم و بلحاظ رشد خدمات در ردیف اول در سطح قرار گرفت.

موفقیت‌های چین در هرصه کشاورزی و بالتجربه حل مسئله گرسنگی، پیشرفت سریع صنایع سبک و مواد غذایی، تشویق فعالیت‌های انفرادی و اقدامات اولیه برای دموکراتیزه کردن جامعه، شور و شوق شدیدی در بین مردم در اوایل دهه ۸۰ به وجود آورد. بی‌التگی اجتماعی با بالا رفتن سطح زندگی، جای خود را به امیدواری برای زندگی بهتر داد.

در دومین مرحله رفرم که از سال ۱۹۸۴ آغاز شد، نظام مسئولیت به صنعت و جامعه شهری توسعه یافت و مالکیت خصوصی و جمعی به زبان مالکیت دولتی تقویت شد. بنگاه‌ها خودمختار و مسئول سود و زیان خود شناخته شدند. مدیر کارخانه در اداره امور جاری کارخانه جانشین کمیته حزبی محل کار شد و کلیه اختیارات آنرا بدست آورد. بنگاه‌ها گرچه رسماً در مالکیت دولت باقی ماندند ولی آزادی عمل آنها آنچنان توسعه یافت که

چین بهار سال پیش‌به‌بحران سیاسی معینی نرفت. در نخستین روزهای اردیبهشت ماه با درگذشت هواکونگ دبیر کل سابق حزب کمونیست چین، تظاهرات گسترده‌ای توسط دانشجویان در پکن و سایر شهرهای دانشگاهی آغاز شد و بتدریج اقشار دیگری از مردم را در بر گرفت. در ابتدا خبرنگاران و کارکنان ارتباط جمعی و سپس کارمندان دولت و کارکنان موسسات صنعتی در تظاهرات شرکت جستند. تظاهر کنندگان خواستار برقراری دموکراسی و مبارزه با رشوه خواری و فساد در ارگانهای دولتی و حزبی بودند.

دانشجویان در دسامبر سال ۱۹۸۶ نیز بخاطر تأمین دموکراسی در کشور به تظاهرات دست زده بودند. در آنموقع حزب کمونیست چین با راه انداختن تبلیغات بعنوان مبارزه "علیه لیبرالیسم بورژوازی" بمقابله با خواستهای دانشجویان برخاست و هواکونگ را بخاطر طرفداری از دموکراسی برکنار نمود. اعتراضات دانشجویان در آن سال سرریخت و گشک کرد.

اینبار تظاهرات حدود دو ماه بطول انجامید و سرانجام با یورش نیروهای نظامی، کار به خون ریزی کشید و تظاهرات خاتمه یافت. مطابق آمارهای رسمی ۲۰۰ نفر از شهروندان در درگیری بین نیروهای نظامی و تظاهرکنندگان کشته شدند. ۳۰۰۰ نفر زخمی شدند. رسانه‌های غربی خارجی این ارتام را ۷۰۰۰ تا ۳۰۰۰۰ اعلام کردند. بعد از سرکوب تظاهرات عده‌ای از رهبران جنبش دانشجویی دستگیر و در دادگاه‌های نظامی به مرگ و یا زندانهای طولانی مدت محکوم شدند. جنبش اعتراضی مردم توام با درگیری حاد در صفوف رهبری حزب کمونیست چین بود. در بین اعضای رهبری نظرات متفاوت نسبت به چگونگی برخورد با خواستهای تظاهرکنندگان وجود داشت. در جریان مبارزه تلخی که شش هفته بطول انجامید سرانجام جناح لی‌پینگ (نخست وزیر وقت) که طرفدار سرکوب تظاهرات بود، موضع برتر کسب کرده و زائو زیانگ (دبیر کل حزب کمونیست چین) و همکران باتعام "پشتیبانی از آرامی‌ها و ایجاد شکاف در حزب" کنار گذاشته شدند. در اعلامیه کمیته مرکزی حزب کمونیست چین گفته شد: "عده‌ای قلیل از نارضایتی دانشجویان سوءاستفاده کرده و آثار نامطلوبی را بر سیاست سازمان یافته و طراحی شده‌ای را در پکن و سایر مناطق ترتیب دادند که بیک شور و شاد انقلابی در پکن فرا روئید".

تظاهرات وسیع مردم و رشد اختلافات در رهبری حزب نشانه‌های آشکار بحران سیاسی معینی در چین بود. چرا چنین بحرانی در چین پدید آمد؟ در حالیکه چین از یک دهه قبل گام در راه اصلاحات گذاشته و موفقیت‌های قابل توجهی در هرصه اقتصادی بدست آورده بود. آیا این بحران زاینده رفرم اقتصادی بود یا از عقب ماندن رفرم سیاسی از رفرم اقتصادی ناشی میشد و یا عوامل دیگری در آن موثر بود؟

تنگ شیائوپینگ وقوع بحران سیاسی را اجتناب ناپذیر تلقی میکند: "این طوفان دیر یاز و بدیامی خواست چرا که بوسیله اوضاع بین المللی و اوضاع چین مخدر شده بود. این طوفان اجتناب ناپذیر بود و به اراده انسانها بستگی نداشت و تنها مسئله زمان و ابعاد مطرح بود" (روزنامه ژین من ژیبائو ۲۸ ژوئن ۱۹۸۹). بحران سیاسی در چین تجلی آشکار تضادهای معینی بود که در طی چندین

بحران سیاسی در چین

ذینفع نباشد، وجودناشت، اما زمانیکه موتور رفرم حرکت درآمد، آشکار شد که تنها یک لایه نسبتاً نازک از جامعه از پیشبرد رفرم مابطور همه جانبه حمایت می‌کنند و اکثریت مردم این یا آن جنبه مناسبات اقتصادی و اجتماعی جدید را قبول ندارند و در برابر پیشرفت رفرم، مقاومت می‌ورزند.

بجهت روانشناسی میتوان گفت که مقاومت طیف‌های گوناگونی از مردم یک عکس العمل طبیعی در مقابل نوسازی بود. "یانگ گو آنگ‌شان" محقق انستیتو تحقیقات در مورد "رفرم اقتصادی" می‌گوید: "بزرگترین خطر در رابطه با رفرم نیروی هادت مردم است" (ژین مین ژیبائو - ۲۳ آگوست سال ۱۹۸۶). برای غلبه بر نیروی هادت لازم بود که مردم فعالانه در رفرم شرکت داشته باشند، این امر مستلزم گسترش دموکراسی در کشور بود. در حالیکه در چین ابتدا رفرم اقتصادی و آنهم از "بالا" شروع شد، مردم نظاره‌گر این رفرم بودند تا شرکت‌کننده فعال. رفرم در مردم انتظارات زیادی بوجود آورد و با پیشرفت رفرم، "توقع غیر فعال" تدریجاً جای خود را به گرایش وسیع مصرف‌گرائی داد. موفقیت‌های اولیه رفرم که موجب رفاه مادی مردم گردید، در بین اکثریت آنان احساس مسئولیت در برابر رفرم را برنیا نگذاشت. نظر سنجی نمونه‌ای در بین کارگران صنعتی و خدمات در طی سالهای ۱۹۸۶ و ۱۹۸۸ نشان داد همه کسانی که مسئولیت در مقابل رفرم احساس می‌کنند از ۳۶/۲ درصد به ۳۳/۲ درصد کاهش یافته و همه کسانی که اعتقاد داشتند مسائل پایدار "بالا" حل شده به ۴۱ درصد رسیده بود. بخش قابل توجهی از زحماتشان که انتظارات وسیعی از رفرم داشتند، سخت کوشی که لازم بود تحولات بود از خود نشان ندهادند.

توسعه بازار و ظهور عناصر رقابت مستلزم ابتکار فردی و پذیرش مسئولیت و خطر بود. مطالعات جامعه‌شناسان نشان داد که جامعه چینی بسختی حاضر به دل‌کندن از گرایش‌های ذهنی قبلی است. نظرخواهی از شهروندان در سال ۱۹۸۶ حاکی از این بود که ۴۱/۲ درصد به درآمد پائین اما پایدار و بدون خطر از دست دادن شغل، ۳۸/۴ درصد به درآمد ناپایدار در سطح بالا اما با استخدام تضمین شده تمایل داشتند و تنها ۲۰/۴ درصد حاضر به پذیرش خطر بودند (با دورنمای بیکاری و از دست دادن درآمد بشرط فراهم شدن امکانات مساعد جهت کسب درآمدهای بالا).

قبل از انجام رفرم در مورد دستمزدها، ۷۰/۴ درصد کارگران خواستار انتخاب آزادشغل بدون ترس از بیکاری و کنار گذاشتن سیستم گذشته تثبیت دستمزدها بودند. ولی زمانیکه کارگران شرایط جدید کار را حس کردند، در طی یکسال نظرشان تغییر یافت و در موضع شدیداً مخالف قرار گرفتند. تقریباً کارگران به همان نسبت (۷۱/۷) در یک نظرخواهی اظهار کردند که با سیستم قدیمی پرداخت دستمزدها رضایت‌تر هستند. مقاومت در هرصه ایدئولوژیک نیز آشکارتر گردید. در آغاز با پیشرفت شتابان رفرم و ارتقاء سطح زندگی مردم، به دگرگونی تغییر دیدگاه‌های دگماتیک نسبت به سوسیالیسم با اقتضای برخورد می‌شد. تغییراتی که مسائل زیر را شامل میشد: تأمین اشکال مختلف مالکیت از جمله مالکیت خصوصی، شکل‌گیری بازار و سائل تولید، ظهور سهام و بازار بورس، و رشکستگی موسسات و غیره. رهبری حزب کمونیست چین کار فعال سیاسی و ایدئولوژیکی گسترده‌ای را برای زدودن دیدگاه‌های مربوط به دوره "جهش بجلو" و "انقلاب فرهنگی" انجام داده بود. در سراسر کشور این شعارها به چشم می‌خورد: "نقد سوسیالیسم نیست"، "بگذار برخی از مردم بهتر از دیگران باشند"، "هر چیزی که به رشد نیروهای مولد کمک میکند، در خدمت سوسیالیسم است".

با این وجود، با آشکار شدن مشکلات رفرم و کاسته شدن از شتاب آن، برخورد ایدئولوژیک با رفرم شدت یافت. بخش وسیعی از مردم نسبت پرآستای رفرم بدبین به‌دند. آمارگیری در بین کارگران در سال ۱۹۸۶ نشان داد که یکسوم آنان تردید دارند که "رفرم با روح مارکسیسم - لنینیسم انطباق داشته باشد". سه درصد کارگران معتقد بودند که رفرم‌های انجام گرفته شبیه آن چیزهایی است که در کشورهای سرمایه‌داری وجود دارد. ۱۴ درصد مطمئن بودند که رشد کار انفرادی به

سرمایه‌داری منجر خواهد شد و سی و هشت درصد بر این نظر بودند که رفرم کارت سبزی برای اقدامات غیر قانونی بوده و به تسمیم جامعه به داراوندار منجر خواهد شد.

هلت دیگر نارضایتی از رفرم و مقاومت در برابر آن، رشد گوناگونی منافع اجتماعی و تجلی آشکار آن بود. تکامل اشکال مختلف مالکیت و استقلال بیشتر تولیدکنندگان، زمینه را برای خودآگاهی گروه‌های اجتماعی بوجود آورد. زمانیکه نتایج بطور محسوسه آشکار گردید، گروه‌های مختلف اجتماعی از مواضع متفاوت و گاه متضاد با رفرم برخوردار گردیدند. بررسی‌ها در طی سالهای ۱۹۸۶ و ۱۹۸۷ نشان داد که کارگران از پرداخت دستمزدهای بالا به یک همه نگران بود و مدیران از افزایش تعداد کسانی که خواستار درآمدهای بالا هستند، واهمه داشتند. بسیاری از گروه‌های اجتماعی خواستار پایان بخشیدن به سیاست حمایتی از مالکیت خصوصی بودند. آتهائی که در بازار و موسسه‌های انفرادی و خصوصی شرکت داشتند، خواستار آزادی انتخاب بیشتر، تأمین شرایط مساوی برای رقابت و تحرک اجتماعی بیشتر بودند. در حالیکه دیگران فعالیت آنها را "ثروت اندوزی نامشروع" تلقی کرده و خواستار قطع فعالیت آنها بودند. نظر سنجی نشان داد که بیش از ۸۰ درصد کارگران از پائین آمدن موقعیت اجتماعی‌شان نگران بودند. آنچه آنها مشاهده میکردند، رشد کمتر درآمدشان در مقایسه با سایر اقشار جامعه بود. کارگران به سیستم اقتصادی پیشین با اشتغال دائم‌العمر و برابری تمایل داشتند.

کشمکش‌های ملی و قومی نیز موانع جدیدی در تحولات اقتصادی بوجود آوردند. در دهه ۸۰ تصادفات خونینی در تبت، شین یانگ و برخی مناطق دیگر چین روی داد. ساکنین مناطق حاشیهای دور افتاده که بلحاظ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نسبت به مناطق صنعتی در سطح پائین تری قرار داشتند، نسبت به توزیع برابر اصرار می‌ورزیدند. خواست آنها مستقیماً در برابر اهداف رفرم قرار گذاشت. نظرخواهی از آراء عمومی در سال ۱۹۸۸ نشان داد که ۷۴ درصد مردم گوناگ رو که یکی از بیشترین فقرهای چین است بر ضرورت رفرم قیمت‌ها تأکید ورزیده و آمادگی پذیرش نتایج حاصل از رفرم را داشتند. اما ساکنین شهر دالیان با اتفاق آراء با تثبیت دستمزدها موافقت داشتند. بعلاوه نسل قدیم چین نیز صرف‌نظر از لایه‌ای که بآن تعلق داشتند، قویاً رفرم را رد میکردند و نسبت به اوضاع کشور معترض بودند. در جریان رفرم تفکیک مشخصی در بین دهقانان بوجود آمد. آنها در دهه ۸۰ به دو گروه تقسیم شدند: دهقانان مرنه که دارای مازاد کالا بوده و میتوانستند به مبادله بپردازند و بقیه اهالی روستا که به اقتصاد خرده‌کالایی تعلق داشتند. ستنیز بین دو قشر در روستاها در طی دهه ۸۰ شدت یافت. مطلوبات چین در طی این سالها موارد متعددی از اذیت، تعدید، دزدی و قتل "دهقانان مرنه" را گزارش میکردند.

روشنفکران مواضع متفاوت و گاه متضادی نسبت به رفرم داشتند. در بین آنها کسانی بودند که جزو مبتکرین و محرکین تحولات بحساب می‌آمدند و در عین حال در بین روشنفکران نیروهای وجود داشت که از رفرم ناراضی بودند. نظر سنجی در سال ۱۹۸۹ نشان داد که تنها دوازده درصد روشنفکرانی که مورد پرسش قرار گرفته اند از نتایج رفرم ناخشنود بوده و "نیاز به بررسی" مثنی انتقاد شده را مطرح می‌نمودند.

در رابطه با نارضایتی مردم و برخوردشان نسبت به رفرم باید مسئله فساد در دستگاه را افزود. بنا به گزارش هفته نامه بیزنس ویک (ژوئن ۸۸) فساد و تورم اصلی‌ترین مسائل جامعه چین هستند. این نشریه می‌نویسد: "از آنجا که کشور اقتصاد خود را از زنجیرهایش می‌رهاند و تماس‌هایش را با جهان بیرونی گسترش میدهد، فساد و سایر جرائم اقتصادی در آن آسافه می‌یابد. آنها از رشوه‌تافروش محصولات در بازار سیاه‌تار تشادر میان مقامات عالی‌رتبه را در برمی‌گیرد" (ماریا شائو، یک موج جدید فساد چین را در خود فرو می‌برد). رشد احتکار، سودجویی از سیستم دو نرخ (نرخ دولتی و نرخ بازار آزاد)، استفاده از روابط شخصی برای برخورداری از امکانات دولتی، ارتشادر روابط شخصی با تجار خارجی و رشوه‌خواری مستقیم مقامات اشکال مختلف این فسادند.

وضع درون حزب کمونیست چین نیز عامل مهمی در رشد نارضایتی مردم بود. فساد در صفوف حزب کمونیست نیز ابعاد وسیعی پیدا کرده بود. از سال ۱۹۸۷ تا ۱۹۸۹ تقریباً سی درصد جنایات اقتصادی توسط اعضا

حزب صورت گرفته بود. در طی سالهای ۸۶-۱۹۸۲ بیش از ۶۷۶۰۰ نفر از اعضای حزب بخاطر جرائم اقتصادی محکوم شده و از سال ۱۹۸۷ به اینسو هر سال صدهزار نفر از اعضا حزب بخاطر سوء استفاده‌های مالی مجازات شده‌اند.

داده‌های اقتصادی کشور نشان دادند که از ۱۹۸۷ در صد در سال ۱۹۸۷ به شصت و دو درصد در سال ۱۹۸۹ افزایش یافته بود. عده‌ای رفرم قیمت‌ها و دستمزدها را رد میکردند، بخش بزرگی از مردم از قشر جدید اجتماعی خشمگین بودند، عده‌ای از گام‌های آهسته تحولات اظهار نارضایتی میکردند، اکثریت مردم از تورم و فساد در دستگاه دولتی و حزبی ناخشنود بودند.

نارضایتی مردم انگیزه‌های متفاوت داشت ولی همه آنها در محکوم کردن رهبری بخاطر مشکلات کشور مشترک بودند. این مسئله بازتاب تضاد اصلی رفرم‌ها می‌بود که از "بالا" جاری گشته بود. مردم در طی دهسال ناطر دور و یا مصرف‌کننده نتایج رفرم بودند، این وضع میتوانست بوسیله یک رفرم در سیستم سیاسی و دمکراتیزه کردن پیوسته جامعه برای تأمین مسئولیت جمعی تمام اقشار جامعه در مقابل پیشرفت کشور، تغییر یابد.

رهبری چین در اوایل دهه ۸۰ از ضرورت رفرم سیاسی آگاه بود. در این رابطه کارهایی نیز انجام گرفت. دستگاه اداری تجدید سازماندهی شد، میزان کارمندان کاهش یافت و به ارگانهای پائین اختیار تصمیم‌گیری داده شد. "سیستم مشورت اجتماعی و دیالوگ" راه افتاد. اقدامات در جهت ارتقاء نقش مجمع‌های نمایندگان خلق و سازمانهای توده‌ای انجام گرفت، مقررات جدید برای نصب و عزل پرسنل تدوین گردید.

ولی این اقدامات تأثیرات ناچیزی داشت و برخی از آنها نیز سرانجام به شکست انجامید. تلاش برای کاهش دستگاه حزب و دولت و هزینه‌تعدادی آنها بی‌ثمر ماند و برعکس میزان آنها از ۱۸ میلیون به ۲۷ میلیون در طی دهه گذشته افزایش یافت و هزینه‌های دستگاه دولتی ۲/۵ برابر گردید.

عدم گسست از سیستم سیاسی پیشین، نارضایتی در بین روشنفکران و دانشجویان را دامن زد. نظرخواهی در سال ۱۹۸۷ از جوانان (زیر ۳۵ سال) نشان داد که تقریباً ۸۰ درصد آنها ضرورت دمکراتیزه کردن جامعه را مطرح ساخته و نصف آنها به حکومت اعتمادی ندارند.

مجموعه مسائلی که گفته شد وضع انفجار آمیزی را در چین بوجود آورده بود. اقدامات اعتراضی مردم سریعاً رشد می‌یافت. در سال ۱۹۸۷ مطابق گزارش‌های رسمی ۱۸ مورد اعتصاب در چین صورت گرفت. این رقم در نیمه اول سال ۱۹۸۸ به ۴۹ مورد رسید. بر میزان درخواست جهت برگزاری تظاهرات خیابانی افزوده میگشت. مقامات اداری بیش از ۱۰۰۰ درخواست راکه همدا از جانب دانشجویان مطرح شده بود، ثبت کرده‌اند. در این وضعیت انفجاری، اعتراضات گسترده توده‌ای اجتناب‌ناپذیر بنظر میرسید. مردم و بویژه دانشجویان در پی بهانه برای تظاهرات نارضایتی خود بودند. مرگ هوا کوفنگ دبیر کل سابق حزب کمونیست چین که به طرفداری از دمکراسی مشهور بود، محرکی برای راه افتادن تظاهرات دانشجویان گردید که سریعاً به جنبش توده‌ای فراورید.

بعد از سرکوب جنبش، روندهای دیگری در چین جریان یافته است. رهبری فعلی بر تعمیق تحولات تأکید دارد و اقداماتی در جهت بهبود اوضاع انجام میدهد و میکوشد آن تقاضایی را که توسط دانشجویان در جریان ناآرامی‌ها مطرح شده بود، برآورده سازد. تصمیم مشترکی توسط کمیته مرکزی حزب کمونیست چین شوری دولتی برای لغو امتیازات کارکنان سطح بالاتر اتخاذ شده است. مطلوبات چین مرتباً گزارش‌هایی را در مورد پرسنل دولتی و حزبی در رابطه با جرایم اقتصادی منتشر می‌سازند. با این وجود از رفرم سیاسی رادیکال در چین خبری نیست و حقوق بشر دائماً نقض میشود. سازمانهای بین‌المللی مرتباً گزارش‌هایی از نقض حقوق بشر، شکنجه زندانیان و پیگرد مخالفین سیاسی ارائه میدهند.

آنچه مسلم است بدون رفرم سیاسی، مردم بطور فعال در تحولات اقتصادی شرکت نخواهند داشت. لازمه دگرگونی در هرصه اقتصادی، تغییر اساسی ساختار سیاسی کشور است. گرچه انتقادات در چین فروکش کرده است ولی بدون اصلاحات در نظام سیاسی نارضایتی مردم با هم نهم می‌تواند اشکال انفجار گونه بخود بگیرد.

پایان پر شکوه

بقیه از صفحه ۱۲

تردید نکنید البته نبرد بر سر آینده، نبرد بر سر نظر، نبرد بر سر راهی که هر کس پیشنهاد می کند و ایستادگی بر سر مواضع ادامه خواهد یافت، اما سازمان می ماند و پیش می رویم. من اطمینان دارم که این کنگره سنگ بنای خواهد بود برای حرکت های نیرومندتر. فکر می کنم که چرخ سازمان و چرخ کنگره خواهد چرخید. اولین کنگره را برگزار کردیم، به زودی دومی را هم برگزار می کنیم و مسائل بسیاری را که داریم حل خواهیم کرد.

من وقتی به صحنه سازمان و اوضاع و احوال در مجموع نگاه می کنم، اوضاع را تیره نمی بینم و ما می توانیم به جلو برویم من با شناختی که شخصاً از رفقا دارم می دانم که کاندیدا شدن یا انتخاب شدن باعث نمی شود که رفقا کنار نزنند این طور نیست، شما از این نظر مطمئن باشید. ما تا اینجا را مشترک آمده ایم از این به بعد هم مشترک خواهیم رفت. این احساساتی که پس از رای گیری ما بروز کرد خود تائیری است بر حرفهائی که زدیم. به نظر من این با هم بودن ما، مهم ترین مسئله است. میشود در سیاست اشتباه کرد، انتقاد کرد و تصحیح کرد. فکر را هم میشود عوض کرد. ولی آن مناسباتی که افراد با هم دارند، مناسبات انسانی و رفاقت را به سادگی نمی توان بدست آورد. وقتی هم مناسبات خراب شود، به آسانی درست نمی شود. من این احساسات را به منزله آن می دانم که مناسبات انسانی و رفاقت بین ما زنده است و همین مایه پیشرفت ما خواهد بود. به همه به خاطر برگزاری این جلسه تبریک می گویم و امیدوارم که به زودی کنگره دوم را برگزار بکنیم و گام های بلندتری برداریم.

رفیق بهرام کریمی (محمد)

که دستان ما در دستان شماست و چشمان ما در همین حال مراقب شماست. این آرزوی نیکی است: ما سازمانان را خوب و قوی می خواهیم. رفقا! از بدی های ما تجربه بگیرید بدی خودتان را اصلاح بکنید، اگر خوبی هایی داشتیم اینها را بگیریم و خودتان بیافزایید. موفق باشید.

می کردیم که ۳۰ - ۴۰ نفر هستیم که انقلاب شد. فضا باز شد و دیدیم که از هر گوشه ای گروهی به عنوان نادایی می آید. سازمان یک دفعه بزرگ شد. نمی دانستیم، اشتباه می کردیم و اشتباهان هم طبیعی بود. اشتباه صورت می گیرد و انسان باید تصحیح بکند. اینها به نظر من مسائل فرعی است. ولی مایه چیز داشتیم که با آن همه سختی ما را تحمل کردیم: اراده ای محکم و وفاداری همیشگی به مردم و به منافع مردم. در دوره چند ساله اخیر، من هر وقت

تصور می کنم می بینم که هوادارانی که بعد از سال ۶۰ طی کردیم مثل بهمن بر سرمان خراب شد و تا آمدیم خودمان را پیدا بکنیم یک بهمن دیگر بر سرمان ریخت. آن هم مسائل اروپای شرقی و شوروی بود. این بهمن ما چیزهای کوچکی نیستند. زیر این بار ایستادن، جلو رفتن و پیش بردن در حالی که همه چیز تیره به نظر می آید، آسان نیست. من فکر می کنم این توانائی حاصل ۲۰ سال پیکار سنگینی است و در نیروی مایه خصوصیت تبدیل شده.

من اطمینان دارم عناصری مثل اعتقاد به مردم، کار کردن برای مردم - در این راه رها تکیب خطا شدن - اراده برای چنگیدن، به ما این امکان را می دهد که در راه سختی که جلوی روی ماست پیش برویم. پنج سال مبارزه کردیم و رسیدیم به اینجا؛ به کنگره سازمان. برای من این یک آرزو بود. این یک موفقیت بود. برای همه ما موفقیت بود. من تگرانی نداشتم که سازمان بنشیند. سازمان محکم جلو خواهد رفت. شما مطمئن باشید. من از طرف خودم و رفقای که از نزدیک کار کردیم می توانم بگویم که شانه ما آماده کار است و زیر بار کاری ایستد. شما در این زمینه یکنفره

یادداشت

است. وقتی اکثریت تحریریه نشریه مطلبی را تأیید می کند و سردبیر به عنوان نماینده شورا آنرا مفایر سیاستهای شورا تشخیص می دهد، تکلیف چیست؟ قرار می گوید هر دو حق دارند و از جمع شدن این دو حق این نتیجه حاصل می شود که مقاله به امضای تحریریه چاپ میشود و در یادداشتی - مثل همین که حالا می خوانید - یکبار برای همیشه به خواننده گفته می شود که حکایت اینگونه مقالات از بهر قرائت است.

به اتکالی همه آنچه که گفته شد می توان نتیجه گرفت که قرار شورای مرکزی چارچوب نشریه را فراخ تر از پیش کرده است. اما این چارچوب هنوز تنگ است. "کار" باید ماهانه منتشر شود و این یعنی

متأسفانه به دلیل نقص فنی سخنرانی رفیق عبدالریم پور (مجید) در جلسه اختتامیه کنگره ضبط نشده است.

رفیق جمشید طاهری پور

من نمی توانم احساسات خودم را بیان بکنم. واقعیت قضیه این است که از یک طرف احساس رضایت خیلی عمیقی در این لحظه دارم، رضایت از اینکه می بینم درستی باورم از رفقای خودم را و اعتقاد به اینکه رفقا و ما همه با هم می توانیم از همه قضایا بر بیاییم. احساس دیگری که دارم، احساس شرمندگی است. شرمنده از این که چرا ما نتوانستیم آن طور که باید و آن طور که رفقایمان می خواهند باشیم. من فکر می کنم که همان طور که رفیق کیومرث به درستی گفت هیچ سرمایه ای بزرگتر از این احساسات، از این عواطف، این جوهر انسانی که به این حد تبارز پیدای کند نیست. سازمان باید این

رفیق فرج ممینی (امیر)

حزبها و سازمانهای زیادی در برابر ماست. چه در کشور خودمان و چه خارج از کشور خودمان. بدون شک این اولین باری است که ما حزبی را می بینیم که دستگاه رهبری خودش را تغییر می دهد. رهبران می آیند از این کار تشکر می کنند. با چشم اشک آلوده هم دیگر را بغل می کنند و اونهایی که این رهبران را تغییر دادند با چشم اشک آلوده از اونجا استقبال می کنند. این سند برائت ماست. برائت می هیات سیاسی، این کمیته مرکزی، این کادرها و این سازمان. نموداری از زندگی ما زنده بودن ماست. ما رفقا زنده ایم، این اعتقاد که ما زنده ایم هیچ وقت در ذهن رفقای آگاه ما زبیر نرمت. بر حوردم با حادثه امروز از هر سندی برای اثبات صداقت ما و تلاش ما برای اینکه پاک باشیم و پاکیزه تر باشیم، گویا تر است. هیچ سندی از این برجسته تر نیست. اگر ما در شرایطی قرار گرفتیم که هم دیگر را از راهم دادیم به هم دیگر پرخاش هم کردیم اما وقتی که

به باطن خودمان برگردیم، می بینیم هر بار در دل خودمان خون گریه کردیم و این نشان می دهد که ما قلیان همواره هم دیگر را دوست داشته. حرفهای نا حق هم بهم زدیم. کارهای نا حق هم کردیم. چقدر پر شکوه است این لحظه که من احساس می کنم بار دیگر آن چنان به رفقای خودم نزدیک شدم که در همان آغاز شروع این راه.

رفقای عزیز! من از رفیق نغمه دار دبیر اول این سازمان از طاهری پور شخصیت شناخته شده این سازمان از رفیق کیومرث و از همه این رفقا، در محق وجود خودم انتظار برخوردی این چنین داشتم و همین امید، همین امید سر چشمه استواری ما توی این راه بود. روزگاری بود که ما نه استراتژی داشتیم، نه تاکتیک، نه برنامه و نه راه گوی ما با ریسمان محبتی که قلیانها را اگر میداد ایستادیم. سازمان را پیش بردیم و امروز می بینیم که شرایطی فراهم شده که زنگارها را کنار بزنیم و با همان شفافیت، با همان شفافیتی فدایی گری با همان عشق به سوسیالیسم و ارزشهای سوسیالیستی و آن عشق که به مردم هم دیگر را بغل کنیم. در این روزگار ما خیلی از شما فرو ریخت. با شکست کشورهای سوسیالیستی، با شکست لنینیسم، و دیکتاتوری پرولتاریا و غیره گاه این تصور به وجود می آید که گویا آن ارزشی که ما بدان معتقد بودیم هم شکست

راداشته باشد آنوقت همه چیز را دارد. و اگر یک سازمان همه چیز را داشته باشد و این را نداشته باشد هیچ، من کاملاً اطمینان می دهم رفقا که با تمام نیرو، به همان ترتیبی که خودم زمانی که به عنوان رهبری سازمان توقع داشتم از هر کادر سازمانی و از هر عنصر سازمانی با تمام نیرو آن چهره که از نگاه ما ساخته است از سازمان دریغ نخواهم کرد. من می فهم که باید دست هم دیگر را بگیریم و کمک بکنیم به هم دیگر که همه آن چیزهایی که نباید نام ما را به هر ترتیبی آلوده بکنند دور بیندازیم و من اطمینان قاطع دارم که ما می توانیم این کار را بکنیم. من از صمیم قلب تبریک می گویم. از صمیم قلب به رفقای که در مسئولیت رهبری سازمان قرار گرفته اند تبریک می گویم، به نوبه خودم باز متذکر می شوم تا آنجایی که من بودم و دیدم اونجا که صحبت اصل و ریشه قضایاست آنجا که بیان به اصطلاح آن جوهر هستی مسئله هست، نشستن در آن بالا نه امتیاز بوده برای ما نه قدرت و فضیلت بود و ماسعی می کردیم که حقیقت را واقعاً با کار بیشتر، بیشتر از هر کس دیگر با تحمل رنج بیشتر، بیشتر از هر کس دیگر به اصطلاح پاسدار بکنیم. اگر نتوانستیم که حتماً نتوانستیم - این به خاطر محدودیتهایی بوده که به هر حال ما باری از آن محدودیتها نداشتیم و اعتقاد و باور به اینکه می توانیم پیش برویم و می توانیم این چیزی باشیم که زمانه ما را طلب می کند این باور است که باید از همین جا آن را بیروار کنیم. تیمارش بکنیم و اجازه ندهیم که جلوی رشد این باور گرفته بشود. من به سهم خودم سپاس گزار هستم از تعالیت رفقا در این مدت و از اظهار احساساتی که نسبت به من شده.

خورده. ولی رفقا همین منظره کنگره به شما نشان میدهد شکوه این نظام ارزشی را، همین نظام ارزشی که قلیا وجود داشت. همین عشق به انسانیت را. صحبتها را رفتار کردند. رفقا! مایه این احتیاج داشتیم. سازمان ما و شما به این احتیاج داشت که به این دستگاه رهبری که سالها رنج کشید و رنج برد فرصتی داده بشه تا در باره خودش بیشتر فکر کند، خودش را جلا بده، بییش از پیش جلا بده و با سیمای درخشانتری جلوی شما حاضر بشه و به شما هم چنین فرصتی بده تا سازمان خودتان را در بحرانی ترین نقطه ممکنه ارزیابی بکنید و ببینید این سازمان چگونه با مغزش و با قلبش با حادثه روبرو می شود. سازمان ما زنده است. همه رفقای که توی کمیته مرکزی بودند در خدمت رهبری جدید و در خدمت سازمان هستند. من امیدوارم که در آنجا که کنگره آینده ما بسیار باشکوهتر از کنگره کنونی برگزار خواهد شد. رفقا! بیاییم روز نویی را آغاز کنیم. گذشته از آن گذشته است. امروز را رو به آینده شروع بکنیم. همه ما هم دیگر را بغل کنیم این سازمان را بسازیم و بهتر بسازیم. روزگارهایی را که در مناسبات ما به وجود آمده از میان برداریم. رفقا! زنده باشید. رفقای رهبری جدید موفق باشید. به شما تبریک می گویم و رفقای عزیز! اگر بدی از من دیدید ببخشید. اگر خوبی دیدید این از آن من نیست از آن اعتقادی است که داشتم و فکر می کنم این اعتقاد هست که عاجل کار نیک همه رفقا، همه اعضای کمیته مرکزی، همه کادرهای ماست. پیروز باشید رفقا.

مصاحبه با رفیق نگر در باره کنگره و نتایج آن

نشریه کار مصاحبه ای با رفیق نگر در باره کنگره و نتایج آن انجام داده که بخش نخست آن را در زیر میخوانید

سوال - در طول کار کنگره نمایندگان احساس واحدی نداشتند، گاه بیم بود و گاه امید، گاه شور و شوق بود و گاه نگرانی و دلواپسی شما در این ۸ روز چه احساسی داشتید.

جواب - من هم مثل بقیه بودم. تنها همه ما اینطور نبودیم که از روز اول تا آخر یک نوسان سینوسی بیم و امید را تکرار کنیم. به جلوتر آمدیم از بیم چاکاسته و بر امیدها افزوده شد تا آخرین لحظات که یک پارچه شور بودیم و امید.

سوال ۲ - آیا کنگره میتواند بهتر از این برگزار شود؟ آیا از نتایج کار آن راضی هستید؟

جواب - نخستین کنگره مادر شریاطی برگزار شد که بسیاری از دوستان و عزیز مخالفان ما با بکلی امکان تشکیل آن را منتفی و سر نوشت سازمان را بسیار تیره و تاریک میدیدند. با نسبت به موفقیت آن با شک و تردید بسیار برخورد میکردند. دل های بسیاری که به هواداری از نام و سنت فدائی می پندسخت نگران سر نوشت سازمان و نگران قلبه روحیه تفرقه و انشعاب و انشقاق در آن بودند.

کنگره در شرایطی برگزار شد که استبداد حاکم خشن ترین و خونبارترین نوع سرکوب و خفتان را بر سازمان تحمیل کرده و پراکندگی و تلاشی ارگانهای دستگاه رهبری سازمان که در خارج از کشور مستقرند در عمل امکان مشارکت موثر فعالین فدائی مستقر در داخل کشور را از میان برده یا بسیار بسیار محدود کرده بود. کنگره در شرایطی برگزار شد که گروهی از مسئولین سابق و کادری که پرسابقه سازمان منصرف شده و از شرکت در کنگره اعلام امتناع کرده بودند. و بالاخره کنگره در شرایطی برگزار شد که ارگانهای دستگاه رهبری سازمان - مشخصا کمیته مرکزی و هیات اجرایی - عملا قدرت و کارآیی خود را از دست داده بودند. آخرین و مهمترین کار این ارگانها رفع موانع چگونگی تعیین نمایندگان و فراخواندن آنان بود.

در چنین شرایطی هر گاه از من سوال شود که آیا کنگره می توانست از این بهتر برگزار شود. من صد درصد پاسخ مثبت خواهم داد. آری چنین امکانی وجود داشت اما این خطر نیز وجود داشت که بخاطر بهتر برگزار شدن بازم مدت زمان از دست برود و روضه بسیار تابسانان قبل از کنگره عملا بسیاری از امیدها و امکانات از دست برود و کنگره ای نه بهتر که چه بسا بسیار ضعیف تر از آنچه برگزار شد برگزار شود. باطمینان می گویم اگر ما همان کنگره ای که ضوابط آن در پلنوم شهریور ۶۶ تصویب شده بود فراموش نمی کردیم نه تنها در آن بسیار موثر تر از امروز عمل میکردیم بلکه تا امروز نیز حداقل یک کنگره دیگر نیز برگزار کرده بودیم.

اما این هیچ وجه به معنای رضایت از همه آنچه انجام شد نیست. به نظر من، وقتی دستگاه رهبری سازمان عملا پراکنده بود، کنگره ای که منظره های نمایندگان کنگره میتوانستند با تشکیل کمیسیونهای جنب خود وظیفه تهیه اسناد و کار روی پیشنهادها و آماده ساختن کنگره را برعهده گیرند. این کار انجام نشد و این یک اشتباه بود.

وقتی ما بدون کارجمعی روی هیچ سندی به کنگره رفتیم بهترین بود که روزهای کنگره را صرف موضوعاتی نمی کردیم که برای تصمیم گیری پیرامون آنها آمادگی کافی نداریم. شاید بهترین بود که از همان ابتدا کار تصویب اسناد پایه ای به کنگره دوم موکول و از دستور خارج میشد. اینها نواقص واقعی اند. اما بصیچ وجه نمی توان خود کنگره را بدلیل نواقص آن مورد سوال قرار داد.

در مجموع به صحنه که نگاه میکنیم حدود ۲۵ تا ۳۰ درصد از نمایندگان از داخل و خارج یا امکان شرکت نیافتند و یا از شرکت امتناع کرده اند. حدود ۱۵ درصد نیز از زوایای دیگر روی مرفته از روندهایی که در کنگره پیش رفت ناراضی اند. در اوضاع فوق بحرانی کنونی و در شرایط فوق دشواری که ما را احاطه کرده من تشکیل اجتمایی به این عظمت در سازمان و این حد از مشارکت مجموعه نیروهای سازمان در تشکیل این اجتماع رایگ موفقیت بزرگ برای تمام سازمان تلقی میکنم. آرزوهای نیک البته همیشه از واقعیت زیباترند.

با اطمینان باید گفت برگزاری کنگره اول قطعاً شرایط و امکاناتی بس بیشتر برای تجمع و وسیع تر نیروهای سازمان در کنگره دوم فراهم خواهد آورد. این کار میبایست دو سه سال پیش انجام میشد. **سوال -** آینده سازمان را چگونه میبینید.

جواب - من امروز هم آینده سازمان را همانطور میبینم که همیشه دیده ام. سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) نقش و مسئولیت عمده ای را در جنبش چپ ایران عمده دار بوده و هست. ایده آل های مربوط به نوسازی چپ و یکپارچگی نیروی آن به میزان زیادی با نوسازی سازمان ما و حفظ وحدت صفوف آن گره خورده است. با توجه الاتی که رخ داده در آینده نیز پس از کنگره این نقش و مسئولیت نه کاهش که افزایش خواهد یافت هر گاه دستگاه رهبری و عمده ترین نیروهای سازمان با گامهای و شایستگی با آن مواجه شوند.

سوال - فکر میکنید کنگره و نتایج آن چه تاثیری در میان نیروهای چپ، ملی، دموکرات و مترقی کشور برجا میگذارد.

جواب - پیش بینی میکنم تاثیر آتی و بعدی اعلام نتایج کنگره بر نیروهای چپ و ترقی خواه کشور از یکدیگر متمایز باشند در اولین واکنش ها در طیف نیروهای چپ قطعاً شاهد دو واکنش متناقض منفی و مثبت خواهیم بود. عمده ای اعلام عدم اعتماد خواهند کرد و تصمیم گیری برای تنظیم مناسبات خود با سازمان را برای خود بسیار دشوارتر مییابند. عده زیادی هم در مجموع از تحولی که رخ داده استقبال میکنند. اما به تدریج که پیش رویم و اطلاعات و اظهار نظر های بیشتر و بیشتری از سوی مسئولین سازمان درباره کنگره و اهداف آن انتشار یابد تصور میکنم نیروهای مخالف کنگره و نتایج آن محدودتر و محدودتر شوند. البته این پیش بینی منتهی به ارزیابی با روحیه ای است که نمایندگان کنگره از خودشان

دادند. بدون آن روحیه تفاهم و دلسوزی تقویت پایگاه کنگره در جنبش چپ قطعاً با آینده ای روشنتر مواجه نبود.

کنگره چنانچه واقعا همانگونه که بود هر ضه شود تردید نباید داشت که در سمت یابی نیروی ترقی خواه در کشور بسوی استحاله خود و تقویت اندیشه های دموکراتیک در صفوف خود، در تنظیم و باز سازی و بهبود مناسبات با سازمان تاثیرات فوق العاده مثبت برجای می نهد.

کنگره قطعاً به باز یافت اعتماد دبه نفس در صفوف چپ ایران کمک میکند. چپ ایران اکنون میتواند باور کند که یگانه راه و یگانه سر نوشت نهضت چپ در ایران انقلابی شدن از طریق تحمیل انشعاب های متوالی بروی نیست. چپ ایران اکنون میتواند باور کند که میتواند حزبی ساخت که ضمن وفاداری به آرمان های چپ خود را بر اساس نیاز های دموکراسی باز سازی کند و اعتماد طیف وسیع تمایلات اجتماعی نسبت به صداقت خود در تحقق اهداف ملی و دموکراتیک را بسوی خود جلب نماید. من فکر میکنم کنگره ما، اگر به روح حاکم بر اهداف آن وفادار باشیم، امید و اعتماد به آینده را در صفوف نیروی چپ در ایران تقویت خواهد کرد.

سوال - شمارد خود ۸ سال دبیر اول سازمان بوده اید. از شورای مرکزی و از نیروهای سازمان چه انتظاری دارید.

جواب - مهمترین انتظاری که من از شورای مرکزی سازمان و از تک تک اعضای گروه های کار که حول آن سازمان داده شده اند دارم اینست که با همت خود سهمای کنگره سازمان را به واقع و همانگونه که بود نمایندگی کنند، کنگره از آنان باز سازی بنیادین مناسبات درون سازمانی، نفرت از دسته بندی، کار و کوشش خستگی ناپذیر، و وفاداری به آرمان دموکراسی، بویژه در تنظیم مناسبات درون سازمانی را انتظار داشت. کنگره از شورای مرکزی انتظار داشت حفظ موجودیت سازمان را مهمترین و مقدم ترین وظیفه تلقی کند و این در لحظه کنونی، معنائی جز این ندارد که طیف وسیعی از نیروهای سازمان که نسبت به سودمندی کنگره بی اعتمادند با همت شورای مرکزی دلایل کافی برای امیدوار بدست آورند. تقویت حضور سازمان در صحنه مبارزه و انجام منظم وظایف رهبری نیز میتواند به این امر کمک کند.

رفقائی که به دلیل آنچه به ماو به سازمان مان گذشته است از زوایای مختلف از ادامه فعالیت در سازمان کناره گرفته اند اکنون با روحیه ای نو برای از سر گیری مجدد کار در سازمانشان خیز برداشته اند. شورای مرکزی و گروه های کار باید با حداکثر توان کار سازمانگری این نیرو ها را دنبال کنند. ما برای اینکار زمان زیادی نمیتوانیم از دست بدهیم. روی سخن در اینجا با آنان نیست که صفوف مبارزه را بطور کلی ترک کرده و حل مسائل زندگی شخصی را تمام مضمون زندگی خود تلقی میکنند. از کنگره و از شورای رهبری البته برای تغییر این روحیه کاری ساخته نیست. برای جلب مجدد این نیرو ها باید منتظر تغییر شرایط سیاسی بود. آنچه فوری و ضروری

است جلب معتز صین است که عملکرد سازمان و تنگناهای موجود آن را از ادامه همکاری با سازمان منصرف کرده است.

هم از شورای مرکزی، هم از گروه های کار باید انتظار داشت که هر یک نقش، مقام و مسئولیت خطیر خود را همانگونه که هست در مرکز توجه قرار دهند. این پیش بینی واقعی است که مشکلات تمام نشده است و مادر حل آنها هم احتیاج به اعتماد به نفس بسیار و هم نیاز بسیار به اتکالی به همدیگر داریم. آنطور که تجربه به من میگوید تلفیق مناسب این دو نیاز یکی از عمده ترین شاخصهای پختگی رهبری است. انتظار من و فکر میکنم هموم رفقا از شورای مرکزی و ارگانهای تدارک کننده کنگره است که نظر به نیمه کاره ماندن وظایف کنگره نخست بکوشند کنگره دوم در همان فاصله ای که مقرر است تشکیل گردد.

از هموم اعضا و هواداران سازمان، از همه فعالین فدائی انتظار دارم که در این لحظات حساس به یاری شورای مرکزی سازمان برخیزند، دست بدست هم دهند تا این زایش نوین جنبش چپ ایران که به نام و سنت فدائیان خلق پیوند گرفته است کانون و مرکز و تشکلی گردد که رزمندگان راه صلح، دموکراسی، عدالت و سوسیالیسم را با اعتماد به خود با امید به آینده بسجج میکنند.

سوال - آیا فکر میکنید سازمان با پتانسیلی بیش از آنچه که در کنگره اول دیده شد در کنگره دوم حاضر شود؟ **جواب -** قطعاً امید دارم که اینطور باشد و اما دلایل این امید:

- کنگره اول سازمان را از خطر انشعاب و از مصیبت دسته بندی بکلی نجات داد و این نیروی بسیاری را آزاد کرده که میتواند کنگره دوم را تقویت کند. فروکش کردن بحران در سازمان زمینه را برای تدارک کنگره ای ثمر بخشتر مساعد میکند.

- کنگره اول سازمان در شرایطی برگزار شد که عملاً تمام ارگانهای تدارک کننده فلج شده بودند در حالیکه ارگانهای تدارک کننده کنگره دوم عملاً وجود دارند و میتوان بر آنها متکی شد. وجود شورای مرکزی و کمیسیونهای تدارک کننده امیدوار کننده است.

- ما برای تدارک کنگره آتم در خارج کشور کوچکترین تجربه ای نداشتیم. اکنون تجربه کنگره اول در خدمت کنگره دوم است و این خود به هیچ وجه چیز کمی نیست.

- در کنگره اول فرصت برای انتشار پیش نویس اسناد از طریق رادیو و مطبوعات و رسانن آن به دست فعالین در داخل کشور و نظر خواهی از آنان وجود نداشت. اکنون فرصت این کار هست و میتوان به آن جامه عمل پوشید.

- تا کنگره دوم حدود ۸ ماه تا یکسال فاصله است. مادر کنگره دوم از یک سو بحث زیادی پیرامون ضوابط تعیین نمایندگان نخواهیم داشت و از سوی دیگر زمان کافی برای کار روی اسناد پایه ای در اختیار خواهیم داشت.

و اینها یعنی هم به لحاظ گسترده گی دامنه نیرو هائی که در کار تدارک و تشکیل آن مشارکت میکنند، هم به لحاظ ایجاد آمادگی برای تصویب اسناد پایه ای و هم به لحاظ حد تجربه و سطح روحیه ای که نمایندگان کنگره دوم خواهند داشت. کنگره دوم اصولاً باید کنگره ای با پتانسیل بیشتر پیش بینی شود. البته همه اینها مشروط است به نحوه و کیفیت عمل شورای مرکزی و ارگانهای تابع آن.

گزارش کنگره

اجلاس کنگره با اعلام یک دقیقه سکوت به احترام شهدای راه آزادی و شهدای سازمان از سوی مسئول کمیسیون تدارک کنگره گشایش یافت. سپس ۵ تن از مسن ترین نمایندگان کنگره به عنوان هیئت رئیسه سنی، در جایگاه قرار گرفتند.

رئیس سنی اجلاس پس از خوش آمدگویی به نمایندگان و اظهار امیدواری برای پیروزی کنگره پیشنهاد یکی از نمایندگان را مبنی بر اینکه زنده یاد بیژن جزئی - به عنوان ریاست افتخاری کنگره اعلام گردد، ترائت نمود و نمایندگان با استقبال از این پیشنهاد یاد رفیق جزئی، بنیانگذاران سازمان و همه همزمان شمیراگرایی داشتند.

سپس انتخابات هیئت رئیسه صورت گرفت و با قرار گرفتن منتخبین در جایگاه خود، جلسه وارد دستور شد. پس از بحث های اولیه قرار شد که ابتدا بحث و بررسی گزارش کمیسیون تدارک کنگره در دستور قرار گیرد.

در گزارش کمیسیون مذکور، آمار نمایندگانی که بر اساس ضوابط مختلف از قبیل انتخابات، طرح رده قبل از سال ۶۵، طرح رده بعد از ۶۵ و ... به کنگره دعوت شدند، تعداد نمایندگانی که به دلیل مختلف از شرکت در کنگره امتناع کردند، تعداد نمایندگانی که به دلایل موجه نظیر نداشتن مدارک سفر یا هاموریت سازمانی موفق به شرکت در جلسه نشدند، درصد اعضای تشکیلات خارج که از انتخاب و اعزام نماینده خودداری کردند، نتایج اجلاس های پیش کنگره، علت عدم تأثیر گذاری فعالین در داخل کشور بر روند کنگره و تغییراتی که از سوی کمیسیون تدارک در ضوابط مصوب کمیته مرکزی وارد شده، مطرح گردید.

اطظار نظر پیرامون گزارش فوق به بعد از گزینش کمیسیون های اعتبارنامه و آئین نامه موکول گردید و انتخاب این دو کمیسیون در دستور قرار گرفت و برای تشکیل کمیسیون اعتبارنامه تصویب شد که کمیسیون تدارک کنگره از میان خود ۳ نفر را معرفی نماید و نمایندگان نیز دو تن را برگزینند و کمیسیون اعتبارنامه با شرکت عضو تشکیل شود. این تصمیم به منظور جلوگیری از پخش اطلاعات و تسریع در امر تصویب اعتبارنامه ها اتخاذ شد.

بدنبال گزینش کمیسیون های مذکور، اظهار نظر پیرامون گزارش کمیسیون تدارک کنگره آغاز شد. و بحث های مصلی در این زمینه انجام گرفت. شماری از نمایندگان به کمبودها و نارسایی های مشخصی که در این یا آن هره ص کار کمیسیون تدارک وجود داشت پرداختند، اما هجوم سخنرانان با بررسی جهات عمومی تر در روند تدارک کنگره،

پیرامون "مقام و موقعیت" اجلاس جاری در حیات سازمان، اظهار نظر کردند. در این بحث بر موارد ذیل به عنوان ضعف های اساسی اجلاس انگشت نهاده شد:

- ۱ - فقدان تأثیر قابل قبول از سوی فعالین سازمان در داخل کشور
- ۲ - امتناع بخش قابل ملاحظه کادرها و اعضای تشکیلات خارج از شرکت در اجلاس به دلالتی با خصلت اعتراضی
- ۳ - نارسائی ضوابط گزینش نمایندگان
- ۴ - عدم وجود اسنادی که به طور سازمان یافته در تشکیلات به بحث گذاشته شده باشد و در نتیجه عدم آمادگی نمایندگان برای اتخاذ تصمیم پیرامون مسائل اساسی در زمینه برنامه، اساتمامه و نظائر آن. برخی از نمایندگان با استناد به نارسایی های یاد شده، ایده "کنگروه دایر" را به میان کشیدند و خواستار آن شدند که کنگره در دو اجلاس به فاصله حدودا ۶ ماه از یکدیگر تشکیل شود و از این نظر اجلاس جاری جلسه مقدماتی نخستین کنگره سازمان "یا اجلاس نخست از نخستین کنگره سازمان" تلقی شود و ضمن تصمیم گیری پیرامون مسائل مبرم، و وظیفه اصلی خود را بر طرف کردن نواقص مذکور و تدارک اجلاس دوم بداند.

سایر سخنرانان ضمن تأیید مضامین یاد شده با این نتیجه گیری که کنگره "دایر" تلقی گردد مخالفت ورزیدند. آنها بر این نکته تأکید ورزیدند که اجلاس جاری انعکاس حداکثر توان موجود در سازمان در لحظه کنونی است و در شرایط حاضر صالح ترین مرجعی است که می تواند پیرامون حیات سازمان تصمیم بگیرد. و از این رو نام آن "کنگروه نخست سازمان" است. این عده از نمایندگان در همین حال تأکید داشتند که کثرت نارسایی های موجود ما را ملزم می سازد تا از هم اکنون جهت تدارک کنگره دوم تمهیدات لازم را اتخاذ نماییم. جمعی دیگر از نمایندگان بر این عقیده بودند که اجلاس حاضر باید خود را "تجمع صلاحیتدار" بنامد و وظیفه اصلی خود را بر طرف کردن موانع در راه تشکیل کنگره بداند.

به رغم برداشت های متفاوتی که فوق مطرح گردید، هیچیک از سخنرانان صلاحیت اجلاس برای اتخاذ تصمیم در جهت خارج کردن سازمان از وضعیت موجود، از جمله در زمینه انتخابات رهبری آتی را مورد تردید قرار ندادند.

بحث هادراین زمینه، در نوبتی دیگر و هنگامی که اعتبارنامه اکثریت قریب به اتفاق نمایندگان از تصویب گذشت و جلسه رسمیت یافت، ادامه پیدا کرد و در پایان پیرامون مقام و موقعیت اجلاس رای گیری به عمل آمد و با رای اکثریت نمایندگان، اجلاس "نخستین کنگره" سازمان نامیده شد.

پیش از رسمیت یافتن اجلاس، نظام نامه اداره جلسات کنگره در دستور بحث قرار گرفت و پس از انجام اصلاحات لازم از تصویب گذشت. آنگاه مخبر کمیسیون اعتبارنامه ها گزارش داد و پس از تأیید مجموعه اعتبارنامه هایی که شکایت و اعتراضی نسبت به آنها وجود نداشت، جلسه بعنوان کنگره رسمیت

یافت. جلسه ابتدا پیرامون رای و کالتی در خارج از کشور و تنظیم رابطه با نمایندگانی که به دلایل موجه نتوانستند از کشورهای محل اقامت خود خارج شوند تصمیم گرفت که:

- ۱ - رای و کالتی در خارج از کشور تنها در صورتی نافذ است که:
 - وکیل در جلسه حاضر باشد.
 - معذر موکل برای عدم شرکت در جلسه موجه باشد.
- ۲ - گزینش فرد معین به عنوان وکیل محرز شده باشد.
- ۳ - در رابطه با مسائل دارای اهمیت اساسی رای رفقای حائز شرایط فوق اخذ و به آرای حاضرین در اجلاس اضافه شود این تصمیم در عمل به اجرا در نیامد.

پس از پایان بحث پیرامون گزارش کمیسیون اعتبارنامه ها و اتخاذ تصمیمات فوق، تعیین "مقام و موقعیت اجلاس" در دستور قرار گرفت و همانطور که پیشتر یادآوری شد، با تأیید صلاحیت مجمع، برای تصمیم گیری و تثبیت نام کنگره برای آن پایان یافت.

در سومین روز اجلاس، دستور کار پیشنهادی هیئت رئیسه برای ادامه کار کنگره تا روز پایانی مورد بحث قرار گرفت و پس از انجام اصلاحات به شرح زیر تصویب شد:

- ۱ - بحث پیرامون سمت گیری برنامه ای و هویت و تصویب تزه ای مربوطه
- ۲ - تصویب تزهایی در باره خط مشی و برنامه سیاسی سازمان
- ۳ - تصویب کار پایه وقت تشکیلاتی
- ۴ - بررسی گذشته سازمان و عملکرد رهبری و تصویب تزهایی در این رابطه
- ۵ - بررسی وضع نشریات و رادیوی سازمان و تصمیم گیری پیرامون قطع نامه های پیشنهادی
- ۶ - بررسی گزارش عملکرد مالی سازمان
- ۷ - صدور پیام ها.

۸ - انتخاب کمیسیون هایی برای تهیه اسناد لازم جهت ارائه به کنگره دوم

۹ - انتخاب ارگان رهبری

۱۰ - تعیین زمان کنگره بعدی

پیشنهاد دیگری نیز در مورد دستور کار مطرح بود، اما مورد تصویب قرار نگرفت. این پیشنهاد نظر به عدم آمادگی برای تصویب اسناد در کنگره، مطرح می کرد که پیرامون برنامه، هویت، اساتمامه و عملکرد گذشته، بحث و بررسی مقدماتی صورت گیرد و کمیسیون هائی برای تهیه اسناد مربوطه انتخاب شود. اما تصویب اسناد مذکور به اجلاس دوم موکول شود. این پیشنهاد بر مبنای تشکیل کنگره در دو اجلاس به فاصله ۶ ماه ارائه شده بود.

پس از تصویب دستور کار، موضوع تشکیل کمیسیون هایی در جنب کنگره به بحث گذاشته شد و تشکیل کمیسیون هایی برای مواد ۱ تا ۷ دستور کار، مورد تصویب قرار گرفت و کمیسیون های مربوطه تشکیل شدند.

کمیسیون دیگری نیز تشکیل شد تا به مسائل مربوط به خلق ها رسیدگی نماید. پیش از آنکه جلسه وارد دستور شود، پیشنهاد دعوت از مجسمان مطرح شد و پس از صحبت های موافق و مخالف، کنگره تصمیم گرفت که به علت عدم آمادگی، موضوع دعوت مجسمان از دستور خارج شود. در چهارمین روز اجلاس، ابتدا اعضا مخبرین کمیسیون ها معرفی شدند و

کنگره به آنها رای اعتماد داد و سپس "بررسی گذشته سازمان و عملکرد رهبری و تصویب تزهایی در این رابطه" در دستور قرار گرفت. به علت عدم وجود گزارش از سوی کمیته مرکزی سابق، کنگره تصمیم گرفت که رفقای عضویت سیاسی سابق که در جلسه حضور داشتند، هر کدام شخصا در باره فعالیت دستگاه رهبری سازمان اظهار نظر کنند. به سایر اعضا و مشاورین کمیته مرکزی هم وقت معین تخصیص داده شد تا نظرات خود را پیرامون

گذشته سازمان و عملکرد رهبری بیان کنند. ۲۵ تن از نمایندگان نیز در این زمینه اظهار نظر کردند. پس از اظهار نظر نمایندگان، باز دیگر به اعضای هیئت سیاسی سابق فرصت داده شد تا پیرامون مسائل شخصی که در اظهارات نمایندگان عنوان شده بود و نیز در مواردی که کمیسیون، بررسی مشخص آنها را پیشنهاد کرده بود اظهار نظر نمایند.

بعد از پیرامون گذشته سازمان و عملکرد رهبری در روز ششم مجددا در دستور قرار گرفت. ابتدا کنگره سند پیشنهادی کمیسیون مربوطه را به عنوان سند مبنای پذیرفت و سپس بحث پیرامون بندهای جداگانه آن آغاز شد. در دور اول بحث تنها بندهای مربوط به انتقاد از منشی شکوناسازی جمهوری اسلامی، مسائل تشکیلاتی و اساتمامه ای از تصویب گذشت و سایر مواد جهت تدقیق و تصحیح به کمیسیون هودت داده شد. ادامه بحث پیرامون گذشته سازمان و عملکرد رهبری در روزهای هفتم و هشتم کنگره سرانجام به تصویب سندی در ۷ بند انجامید. در روز نهم پس از انتخاب شورای مرکزی و در آخرین دقیق کنگره بند دیگری به عنوان بند هشتم سند از سوی یکی از نمایندگان ترائت گردید که نمایندگان با کف زدن های ممتد آن را مورد تأیید قرار دادند.

به پیشنهاد کمیسیون و تصویب کنگره، سند "مصوب بر ر سی اجمالی خطاهای رهبری در دهه گذشته" نامیده شد.

در این سند پیرامون سیاست و برنامه "شکوفایی جمهوری اسلامی"، سیاست وحدت با حزب توده ایران، سیاست سازمان در قبال کشورهای متعلق به بلوک موسوم به اردوگاه سوسیالیزم، ساختار تشکیلاتی و مناسبات رهبری با تشکیلات و ضرباتی که در سال ۶۵ بر پیکر تشکیلات سازمان در داخل کشور وارد آمد، با صراحت اظهار نظر شده است. این سند همراه این گزارش انتشار می یابد.

به موازات بحث پیرامون "گذشته سازمان و عملکرد رهبری" بحث ها پیرامون دو مورد دیگر از دستور کار کنگره یعنی "سمت گیری برنامه ای و هویت" و "خط مشی و برنامه سیاسی" نیز جریان یافت. در بحث "سمت گیری برنامه ای و هویت" ابتدا رفقای که قبلا اسنادی تهیه کرده بودند پس از دفاع از سند پیشنهادی خود به سوالات نمایندگان پاسخ گفتند. در این دور از مباحثات اسناد پیشنهادی تماما و یا قسمتا بوسیله خود تنظیم کنندگان سند و سایر نمایندگان مورد مدافعه قرار گرفت.

در دور دوم، بحث حول محورها و فرمول های مشخص که از سوی کمیسیون مربوطه ارائه شده بود تمرکز یافت و پس از سخنان موافق و مخالف و انجام پاره ای اصلاحات در بند ۲ تزه ای پیشنهادی

گزارش کنگره از صفحه ۱۰

کمیسیون، مواد ۱ و ۲ به شرح زیر از تصویب کنگره گذشت.

۱- سازمان ما از دل جنبش فدائیان خلق که در دهه ۴۰هـ پیکار علیه دیکتاتوری شاه با آرمان دموکراسی و سوسیالیسم شکل گرفت، برخاسته است. جنبشی که هدف پایدار آن خدمت به کارگران و زحمتکشان، تأمین صلح، آزادی و عدالت اجتماعی برای مردم و کسب استقلال و پیشرفت اقتصادی و سربلندی برای میهن عزیز ما ایران بوده است.

۲- آرمان ماسوسیالیسم است. سازمان ما برای دستیابی به ارزش های سوسیالیستی مبارزه میکند. پس از تصویب تزه های فوق الذکر کنگره تصمیم گرفت که ادامه بحث و تصمیم گیری پیرامون سمت گیری برنامه ای و هویت را از دستور خارج کند. در مورد خط مشی و برنامه سیاسی نیز پس از بحث های اولیه که مستقیماً در کنگره انجام گرفت، در دور دوم و سوم تزه های پیشنهادی کمیسیون به بحث گذاشته شد. کمیسیون مربوطه از طرح مواردی که پیرامون آنها تفاهم و اتفاق نظر وجود داشت خودداری نمود و تنها چند نکته گرمی و مهم مربوط به خط مشی و برنامه سیاسی را به بحث گذاشت.

در این محبت نیز تنها بخش هایی از سند پیشنهادی مورد بحث قرار گرفت. در این زمینه کنگره توانست هدف سیاسی ما و حکومت جایگزین را به شرح زیر مشخص سازد: پایان دادن به رژیم جمهوری اسلامی و استقرار دموکراسی پارلمانی در شکل جمهوری فدراتیو.

در بحث پیرامون این فرمول توجه نمایندگان عمدتاً بر نقاط اشتراک و افتراق عبارات "پایان دادن به رژیم جمهوری اسلامی" و "سرنوشتی رژیم جمهوری اسلامی" و نیز تمایزات و تشابهات رژیم جمهوری اسلامی و "رژیم ولایت فقیه" تمرکز یافت. هموم نمایندگان در اظهارات خود تأکید نمودند که شعار "سرنوشتی" به دلیل مطلق کردن عنصر قهر نمی تواند سیمای مسالمت جوی سازمان و انزجار ما از خونریزی را منعکس سازد.

همچنین اکثریت نمایندگان با کاربرد عنوان "رژیم ولایت فقیه" بجای "رژیم جمهوری اسلامی" مخالفت کردند.

علاوه بر موارد فوق پیرامون شعار "انتخابات آزاد" و موضع ما در رابطه با سلطنت و سلطنت طلبان نیز بحث هایی صورت گرفت. در مورد سلطنت بیش از دوسوم نمایندگان تز پیشنهادی کمیسیون خط مشی و برنامه سیاسی را امضا کردند. متن تز مربوطه، به شرح زیر است:

"مردم میهن ما در انقلاب بجهنم به رژیم سلطنتی نه گفتند و آن را سرنوشت کردند. سازمان، نظام سلطنت را نظامی غیردمکراتیک می شناسد. سازمان سیاست اتحاد با بر همکاران و اتحاد عمل و تشکیل جبهه با نیروهای جمهوری خواه طرفدار دموکراسی تأکید دارد و اتحاد با سلطنت طلبان را رد می کند."

"تدارک کنگره آتی" موضوع دیگری بود که در دستور کار کنگره قرار گرفت. در این رابطه قطع نامه ای به شرح زیر تصویب شد.

۱- کنگره اتی سازمان حداکثر تا یک سال دیگر برگزار می شود. شورای مرکزی منتخب کنگره اول مسول برگزاری کنگره دوم است.

۲- نمایندگان تشکیلات خارج از کشور صرفاً از طریق انتخابات برگزیده می شوند.

۳- تعیین حد نصاب بر عهده شورای مرکزی است. شورا موظف است حد نصاب تعیین شده را به اطلاع تشکیلات برساند.

۴- نمایندگان فعالین سازمان در داخل کشور بر اساس ضوابط مصوب شورای مرکزی به کنگره فراخوانده خواهند شد.

۵- شورای مرکزی موظف است برای شرکت رقابتی که به دلیل ماموریت های حزبی خاص، در تشکیلات سازماندهی نشده اند ضوابط ویژه ای را تدوین کرده، به اجرا گذارد.

۶- اعضا شورای مرکزی منتخب کنگره اول، با حق رای در کنگره دوم شرکت می کنند.

۷- شورای مرکزی موظف است ضوابط مطروحه در بندهای ۴ و ۵ این قطع نامه را به اطلاع تشکیلات برساند، به نظر خواهی بگذارد.

آخرین موردی که پیش از برگزاری انتخابات به بحث گذاشته شد سیاست مطالبه های سازمان بود در این مورد نیز به رقم وجود قطع نامه پیشنهادی از سوی "کمیسیون نشریه و رادیو"، کمبود وقت مانع از بحث همه جانبه و تصمیم گیری جامع شد و کنگره تنها توانست تصویب کند که سازمان همچنان دو نشریه داشته باشد.

نمایندگانی که از ایده "دو نشریه" در مقابل "یک نشریه" دفاع کردند در سخنان خود تأکید نمودند که یک نشریه باید مضمون خبری - سیاسی داشته و به صورت هفتگی منتشر شود و نشریه دیگر با مضمون تحلیلی فنی تر و سیمای حزبی شاخص تر به صورت ماهانه انتشار یابد.

انتخاب ارگان رهبری آخرین موضوع دستور کار کنگره بود. پیرامون این موضوع هم در اجلاس های پیش کنگره هم در بحث های جنب کنگره و هم در سخنرانی های نمایندگان نظرات متفاوتی مطرح بود. در کنگره ابتدا ساختار ارگان رهبری و شیوه گزینش به بحث گذاشته شد. چندین ساختار و شیوه به صورت طرح، قرار و قطع نامه از سوی نمایندگان به کنگره ارائه شد.

سمت گیری هموم طرح ها کاستن از تمرکز امور در یک ارگان، گسترش دموکراسی و افزودن بر کارائی دستگاه رهبری بود. تمایز طرح ها عمدتاً در حد هدم تمرکز بود که هر یک پیشنهاد می کردند. در همین حال طرح هایی نیز وجود داشتند که با نگرشی متفاوت نسبت به مضمون کار حزبی تهیه شده بودند.

در کنگره کوشش به عمل آمد که تلفیقی از طرح های مختلف، مبنای کار قرار گیرد و در نهایت قرار بر این شد که:

۱- ده "گروه کار" در زمینه های نشریه کار، نشریه اکثریت، تدارک اجرایی کنگره دوم، تدارک اسناد کنگره دوم، تشکیلات داخل، تشکیلات خارج، امور مالی، امور خلق ها، رادیو و روابط همومی تشکیل شود.

۲- یک شورای مرکزی ده نفره هدایت سازمان تا کنگره آتی را عهده دار شود.

هر یک از اعضای شورا مسولیت یکی

از گروه های کار را بر عهده گیرد. ۴- تعداد اعضای صاحب رای هر گروه کار ۵ نفر باشد.

۵- انتخاب اعضای گروه های کار از میان لیست داوطلبین به شیوه رای گیری با ورته و طبق فرمول سه پنجم: صورت گیرد.

۶- انتخاب شورای مرکزی از میان لیست داوطلبین به شیوه رای گیری با ورته و طبق فرمول ششدهم: انجام شود

پس از پایان ثبت نام داوطلبین اعلام شد که ۲۲ نفر جهت عضویت در شورای مرکزی سازمان اعلام آمادگی کرده اند. از این عده ۷ نفر بقیه هیچگاه در دستگاه رهبری سازمان فعالیت نداشتند.

کنگروه با علم به موارد مذکور تصمیم گرفت که انتخابات شورای مرکزی و گروه های کار را از میان لیست های موجود برگزار کند.

ابتدا انتخابات شورای مرکزی برگزار شد و بلافاصله کارت های رای گیری جهت گزینش گروه های کار توزیع گردید. پس از شمارش آرا به دعوت هیئت رئیسه، اجلاس نهایی کنگره برگزار گردید. اسامی و واجدین بیشترین آرا جهت عضویت در شورای مرکزی قرائت شد. در ترکیب اعلام شده نام هیچ یک از اعضای هیئت سیاسی سابق وجود نداشت. چهار عضو کمیته مرکزی سابق همراه ۶ تن از کادرهای سازمان به عنوان شورای مرکزی برگزیده شدند.

حادث بحران در رهبری و هوارض آن در تشکیلات سبب شده بود که انتخاب رهبری آینده او همان روز نخست به مشغله ذهنی همه نمایندگان تبدیل شود. وجود نظرات متفاوت و گاه متضاد در زمینه ترکیب رهبری، یافتن راه حل مناسب را دشوار کرده بود. با نزدیک شدن زمان انتخابات دشواری تصمیم گیری هر چه بیشتر آشکار میشد و نمایندگان احساس میکردند که هر اشتباهی در این زمینه ممکن است هوارض جبران ناپذیری به بار آورد. اکنون نمایندگان انتخاب خود را کرده بودند و نتایج انتخابات روشن شده بود. ولی هنوز بیم و نگرانی وجود داشت و این سؤال که "بعد از این چه خواهد شد؟" اما نگرانی نمایندگان دیری نپایید و هنگامی که اعضای هیات سیاسی سابق، خسته از سالها مبارزه درونی و بیرونی در جایگاه هیات رئیسه یکدیگر را در آغوش گرفتند، قضای کنگره به تدریج منقلب شد: اولین قطرات اشک بر گونه ها نشست، نسیم جان نوازی وزیدن گرفت و دمی بعد به امواجی از هواطف انسانی بدل شد و سراسر سالن بزرگ کنگره را در نور دید، سرد و آزادی به ترنم درآمد:

آن زمان که بنیادم سر به پای آزادی دست خود ز جان شستم از برای آزادی

و لحظاتی بعد: ایران ای سرای امید...

مطابق این فرمول هر رای دهنده، از میان لیست داوطلبان، حداکثر نام ۳ تن را روی ورته رای گیری قید میکنند و پس از استخراج نتایج شمارش آرا ۵ نفری که بیشترین آرا را بدست آورند، برگزیده میشوند.

مطابق فرمول سه پنجم

نمایندگان یکدیگر را در آغوش گرفتند و ساعت ها اشک شوق ریختند. اعضای هیئت سیاسی سابق در میان ابراز احساسات شدید نمایندگان، تک تک پشت تریبون قرار گرفتند، پیام همه یکی بود: ضرورت کار بیشتر، درس آموزی از گذشته و کمک به کسانی که در این شرایط سخت عهده دار مسولیت شدند...

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق

ایران اکثریت.

چند تذکره پیرامون گزارش کنگره:

۱- به علت پایان وقت کنگره شمارش آرای مربوطه به گروه های کار در محل اجلاس میسر نشد. شورای مرکزی شمارش آرا را به کمیسویی مرکب از ۲ تن از نمایندگان کنگره واگذار نمود و کمیسیون مذکور تحت مسولیت یکی از اعضای شورا نتایج شمارش آرا را استخراج کرد و در اختیار شورا قرار داد.

۲- پیرامون انتشار یا عدم انتشار اسناد غیر مصوب اهم از آنچه از سوی کمیسیون ها به کنگره ارائه شد یا آنچه که افراد مستقیماً در اختیار کنگره گذاشتند، همچنین مباحثات و سخنرانی ها، هیچ تزاری در کنگره تصویب نشده است. شورای مرکزی می کوشد پس از تبادل نظر با ارائه دهندگان اسناد، سخنرانان و در حد امکان با نمایندگان در این زمینه تصمیم بگیرد.

۳- شورای مرکزی تز پیشنهادی کمیسیون "خط مشی و برنامه سیاسی" در رابطه با سلطنت طلبان را که به امضای بیش از دوسوم نمایندگان رسیده، مصوب کنگره تلقی می کند.

۴- در کنگره ماده اول قطع نامه پیشنهادی "کمیسیون نشریه و رادیو" در سندی جداگانه و با امضای بیش از دوسوم نمایندگان به هیئت رئیسه تحویل داده شد. شورای مرکزی این ماده را نیز مصوب کنگره تلقی می نماید: متن این ماده بدین قرار است:

کنگروه هیئت رهبری سازمان را موظف می کند تا از ایده انتشار یک نشریه دموکراتیک خبری - سیاسی - اجتماعی استقبال کرده، همه امکانات خود را برای ایجاد زمینه های انتشار چنین نشریه ای به طور فعال به کار گیرد.

۵- نظر به اینکه تنها بخش هایی از سند خط مشی و برنامه سیاسی از تصویب کنگره گذشت و سنگار پایه تشکیلاتی نیز فرصت طرح نیافت و با توجه به اینکه روشن بودن حداقل هایی در زمینه سیاست و تشکیلات برای هدایت روزمره سازمان الزامی است، شورای مرکزی تصمیم گرفت که پس از بحث و بررسی مجدد و انجام اصلاحات لازم این دو سند را به نام خود منتشر کند و پس از اظهار نظر اعضا اسناد نهایی را به عنوان مبنای کار سازمان به فرزند خود بگذارد. شورا اسناد اولیه را از تاریخ انتشار مبنای کار خود قرار می دهد. مشروح مصوبه شورا در گزارش اجلاس سه روز ه آن منعکس است.

۶- شورا انجام برخی اصلاحات انشایی در متن شماری از قرارها و قطع نامه ها را ضروری دانست. همچنین قطع نامه مربوط به تشکیل کنگره دوم که متن کتبی آن موجود نبود، از صورت جلسات استخراج و باز نویسی شده است. شورا اصلاحیه پیشنهادی مخبر کمیسیون "بررسی گذشته و عملکرد رهبری" در رابطه با بند یک قطع نامه مصوب را که به علت ضیق وقت فرصت طرح نیافت - پیشنهادی در جهت دقت بخشیدن به سند دانسته، آن را وارد سند نمود.

قطعه نامه "بررسی اجمالی خطاهای سازمان در دهه اخیر"

۱- کنگره سیاست و برنامه سازمان در راه شکوفایی جمهوری اسلامی را بجهت تقابل آن با دموکراسیسم، پیشرفت و تجدد بزرگترین خطای سیاسی سازمان ارزیابی می کند. این سیاست و برنامه محصول بینشی بود که جهان را بدو جبهه تقسیم می کرد و با توجه به ضد امپریالیسم ارتجاعی رژیم خمینی- که آن زمان این گونه تصور نمی شد- ادامه حیات آنرا بسود مردم ایران و بسود یکجبهه و بطور مشخص اردوگاه سوسیالیسم ارزیابی می کرد در تدوین این مشی به منافع و نیازهای هاجل ملت ایران توجه نشد. بی‌اهتتایی به دموکراسی و هدم شناخت دستگاه روحانیت از جمله عوامل موثر در شکل گیری این سیاست و برنامه بوده اند.

سیاست شکوفاسازی جمهوری اسلامی بسود رژیم و بر ضد منافع ملت ایران بود. این مشی ضربات بسیار سختی به اعتبار جنبش فدایی، جنبش دموکراتیک و حق طلبانه مردم ایران بویژه خلق کرد و ترکمن وار ساخت و موجب اتخاذ سیاستهای ستیزه جویانه ویا خصمانه نسبت بدیگر نیروها و فعالین جنبش گشت.

کنگره این سیاست و برنامه را محکوم می کند و مسئولیت اصلی آنرا متوجه رهبران وقت سازمان می داند.

۴- کنگره ساختار تشکیلاتی سازمان را که بر پایه تمرکز قدرت در دستگاه رهبری، بی حقوقی کامل اعضا و نیز پرورش روصیه فرمانبری استوار بوده و مانع از شکوفایی اندیشه ها و بهره گیری از خرد جمعی می گشت، ساختاری غیر دموکراتیک می داند.

دستگاه رهبری با نقض مکرر حقوق اعضا - تاحد نادیده گرفتن اساسنامه مصوبه خویش - موجب تخریب روابط درون سازمان، تشدید منازعات و گسترش بحران، شکل گیری دسته بندی و تخریب روابط سالم در بین فعالین سازمان در تمامی سطوح تشکیلات گردید. کنگره بدینوسیله از رفتاری که بدلیل اقدامات غیر مسئولانه رهبران و یا مسئولین، سازمان را ترک کرده اند دعوت می کند که به سازمان باز گردند.

۵- کنگره رژیم جمهوری اسلامی را عامل ضربات فاجعه بار سال ۶۷ که موجب دستگیری و شهادت صدها تن از فدائیان گشت اعلام می دارد. کنگره در همین حال ارزیابی نادرست از اوضاع سیاسی کشور، هوارش سیاست تشکیلاتی مبتنی بر مشی شکوفاسازی جمهوری اسلامی، مشی چپ روانه سیاسی - سازمانی پس از سال ۶۲ را که به سازماندهی نادرست و تعرض تبلیغاتی - تشکیلاتی انجامید از عوامل موثر در وقوع این فاجعه می داند.

کنگره در همین حال خاطر نشان می کند که برای مهار ضرباتی که در شرف وارد آمدن بر پیکر سازمان در داخل کشور بود، امکانات هملی معینی وجود داشت ولی بعلت تا رسایی های حاصل از دسته بندیهای درون کمیته مرکزی، از گانهای ذیربط از رداختن به این مهم قفلت ورزیدند و نتوانستند ابعاد فاجعه را در سال ۶۷ و بعد از آن تاحدممکن تقلیل دهند.

۶- فدائیان خلق راه بسیار سختی را باتمام مسائل و بغرنجی های یاد شده طی کرده اند، راهی که دشواریهای آن در اساس بر همد فدائیان خلق در داخل کشور بوده است.

۲- سیاست وحدت با حزب توده ایران که در روند خود به سیاست اقدام سازمان در حزب منجر می گردید، ناقض استقلال سازمان بود و به اعتبار جنبش فدایی ضربات جدی وارد آورد. این سیاست یکی از عوامل موثر و جدی جدایی بخشی از فعالین جنبش فدایی محسوب می شود.

کنگره کمیته مرکزی سابق را مسئول اصلی این خطای بزرگ می شناسد و بر آنست که بخشی از کادرهای موثر سازمان نیز در دوره های معین در تسریع این روند موثر بوده اند.

کنگره گرایشی در رهبری را که تا سالها بعد مصرانه بر صحت سیاست وحدت با حزب توده ایران پافشاری کرد منفی ارزیابی می کند.

۳- کنگره سیاست سازمان در برخورد با اتحاد شوروی و سایر کشورهای "اردوگاه سوسیالیسم" را نادرست ارزیابی می کند. این سیاست که پس از پذیرش اسنادجلسات مشاوره احزاب کارگری و کمونیستی ۵۷، ۶۰، ۶۹ و بر پایه اسناد اتخاذ شده بود، بر واقعیت تطبیق نداشت. تا باوری نسبت بوجود برتری طلبی حزب کمونیست و دولت اتحاد شوروی، صدمه گذاشتن بی تید و شرط بر سیاست ها و هملکردهای آنها، تبلیغات غیر واقعی بسود این کشورها و معرفی جامعه شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی بمثابة تعامل سوسیالیسم و جامعه آرمانی به اعتبار سازمان بمثابة نیرویی که از منافع ملی مردم ایران پیگری ان دفاع می کند، لطحات جدی وارد ساخت.

کنگره از تمامی این رفتارها که در سخت ترین شرایط پرچم مبارزه علیه جمهوری اسلامی را برافراشته داشتند قدر دانی می نماید و نقش والای آنان در پالای بردن اعتبار جنبش فدایی را می ستاید.

کنگره از تمامی تلاشهایی که تاکنون در جهت تداوم پیکار فدائیان در راه سعادت و رفاه سعادت و رفاه مردم ایران و در جهت طرد انحرافات گذشته و برون رفت از بحران صورت گرفته قاطعانه دفاع می کند.

۷- کنگره کمیسیون را بجهت بررسی دقیق تر هملکرد کمیته مرکزی، شعب و یکایک اعضای آن انتخاب می کند. شورای مرکزی منتخب کنگره موظف است کلیه اسناد موجود در اختیار این کمیسیون قرار دهد. گزارش این کمیسیون به کنگره دوم ارائه خواهد شد.

۸- کنگره از رفتاری هملت سیاسی و کمیته مرکزی که فراتانته جای خود را به شورای مرکزی منتخب سپردند صمیمانه سپاسگزاری می کند.

گزیده ای از سخنرانی های جلسه اختتامیه کنگره

پایان پر شکوه

"زبان از توصیف آن عاجز است" این سخن را بارها شنیده ایم و به راستی در زندگی هر کس لحظاتی وجود دارد که زبان رایاری بیان نشان نیست و اگر چنین نبود شعر، موسیقی و هنر آنچه جای حاجت بود؟ و برای آنها که در آخرین ساعات کنگره سازمان در میان امواج هوا لطف پاک یکدیگر فوطله خورند، قطره، قطره آن لحظات و صف ناپذیر ست. شاید پایان باشکوه "باتمام باری که واژه "پایان" در خود نهفته دارد، در حد نام یک سمفونی بتواند بکار آید و آنچه در زیر می آید - که گزیده ایست از سخنان یاران - در حد مدخلی برای درک آنچه گذشت مفید افتد.

سخنی با خوانندگان پیرامون شکل نشریه

در بحثهای جنب کنگره برخی از نمایندگان تغییر سر کلیشه "کار" را از دو جهت مورد انتقاد قرار دادند. نخست به این خاطر که این تغییر طبق معمول ناگهانی انجام گرفت و به نظر خوانم کسانی که بیش از ده سال "کار" را به عنوان نشریه خود تبلیغ و توزیع کردند، گذاشته نشده و دوم بدین سبب که در انتخاب سر کلیشه جدید ذوق و سلیقه چندانی بکار نرفت. برخی از نمایندگان هم پیشنهاد کردند که "کار" مجددا با سر کلیشه سابق منتشر شود.

تحریریه جدید "کار" تصمیم گرفت قبل از ایجاد هر گونه تغییری در شکل نشریه، ابتدا نظر خوانندگان را جویا شود. و پس از دریافت پیشنهادها و طرحها، تغییرات لازم را معمول دارد. و اینک دعوت ما از خوانندگان باذوق نشریه و به ویژه از رفتاری که دستی در کار طراحی و روزنامه نگاری دارند: اگر نظرات و طرحهای شما تا اواخر مهر ماه بدست ما برسد. خواهیم توانست شماره های بعدی نشریه را در شکلی مطلوب تر عرضه کنیم. شما می توانید در همه زمینه هایی که به شکل نشریه مربوط می شود، اهم از سر کلیشه، آرایش صفحه، تقسیم صفحات و غیره، با ارسال پیشنهادات خود، ما را یاری رسانید. در انتظار دریافت نظرات شما.

پرونده سازی
ماکتی بی روح هر آنچه را که به زور شکنجه بر او دیکته کرده اند، تکرار میکند.

زمانی مهندس بازرگان گفته بود که از پیش هر آنچه را که ممکن است روزی در تلویزیون بگوید تکذیب میکند. نکته ظریفی که در این سخن بازرگان وجود داشت امروز به باور همه مردم تبدیل شده است و دیگر همه میدانند که در اولین چه خبر است و اینگونه نمایشات چگونه تهیه میشود. از اینرو هیچ کس نگران آن نیست که مردم اتهامات ساخته و پرداخته حکومت اوین را باور کنند. منطفا خود فقهای حاکم هم که در هر پستوی جاسوس و خبر چین نصب کرده اند باید بفهمند که اینگونه نمایشات، تف سر بالایی است که به صورت خودشان بر میگردد. ولی چرا به این کار ادامه میدهند؟ پاسخ ساده است: از سر درماتنی، حکومتی که از فردای خود حداقل اطمینان را نداشته باشد، مثل فریفتی است که به هر خس و خاشاکی چنگ میاندازد. حکومتی که پایه اجتماعی اش از حجم دستگاه اداری، اش محدود تر باشد مانند عیسی سر انگشت تعادل خود را تا پایدار حس میکند و هم از ایتروست که تاب وزیدن یک نسیم را هم ندارد و وقتی چند تن حتی از سر خیر اندیشی برای حکومت نامه ای بنویسند که آدم کشی و استبداد نه به سود کشور است و نه به سود تو، بجای قدر دانی و تشکر بگیر و ببند به راه می اندازد چون حرفی برای گفتن ندارد حرفه رنگ زده پرونده سازی را بکار می گیرد و آدمی را که تا دیروز از تمامی متوجه اش نبود حالا به صرف آنکه نامه ای را امضا کرده جاسوس قرب و شرق، ستون پنجم، ساواکی و... مینامد. آری! برخورد چون آمیز تقهای حاکم با نویسندگان نامه ۹۰ نفره تنها نشانه ضعف و در ماندگی است و بس.

به برنامه های رادیو زحماتکشان ایران گوش فرادهید!

به هلت برگزاری کنگره سازمان کار مردادماه منتشر نشد.

KAR		NO: 8		1990	
آدرس:		حساب بانکی:			
Pf. 10		AUSTRIA_WIEN			
1091 WIEN		BAWAG			
AUSTRIA		NR. 02910701_650			
		DR. GERTRAUD ARTNER			

بردوشمان بود بیشتر از ظرفیتمان، همیشه شانه ما زیر باری بود که خیلی سنگین تر از توانمان بود. من در مورد خودم می گویم و همین طور در مورد خیلی از رفقا که باهم کار می کردیم و حداقل ۱۲ سال از وقتی که این ارگان (کمیته مرکزی) تشکیل شد باهم کار می کنیم، پیش از آن هم در تشکیلات زندان باهم کار می کردیم. توانمان کم بود. از زندان تازه آمده بودیم. فکر بقیه در صفحه ۸

رفیق سلطان آبادی (کیومرث) رفقا! باعرض معذرت چند لحظه وقتتان را می گیرم. ما راه خیلی طولانی را طی کردیم و بعد از ۲۰ سال به اولین کنگره سازمان رسیدیم. تا به این نقطه برسیم، من لحظات زیادی را به خاطر می آورم که چیزی در دستمان نبود. نه سیاسی داشتیم و نه تجربه ای و نه نیرویی که بتوانیم به حمایت خیلی موثرش متکی باشیم. همیشه باری